

آزادشان کنید!



Amirhossein Moradi	Mohammad Rajabi	Saeed Tamjidi	Abbas Mohammadi
Mehdi Salehi	Majid Nazari	Hadi Kiyani	Mohammad Bostami

پیام سازمان جوانان کمونیست به جوانان و مردم مبارز لبنان



صفحه ۳

لبنان از تراژدی تا انقلاب

شهاب بهرامی

صفحه ۴

جمهوری اسلامی و کرونا

حسن صالحی

صفحه ۵

۲۸ مرداد ۵۸ فرمان حمله خمینی به

کردستان برای کوبیدن انقلاب

عبدل گلپریان

صفحه ۶

صلح با طالبان اعلام جنگ به مردم است

سیامک بهاری

صفحه ۷

در باره لغو فوری احکام اعدام ۸ جوان معترض

حسن صالحی

صفحه ۸

مدیای اجتماعی حزب

اعتراضات کوبنده مردم علیه سران حکومت اقلیم کردستان

صفحه ۳

اطلاعیه ها

۱- اعتصاب نفت - اعتصابات کارگری، اطلاعیه شماره ۱۴

۲- اعتراضات گسترده کارگران شهرداری و چند خبر دیگر

۳- اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۸۸۱

جمعه ۲۴ مرداد ۱۳۹۹، ۱۴ آگوست ۲۰۲۰

فوران اعتصابات کارگری و چشم انداز اوضاع سیاسی

کاظم نیکخواه



اساسی ترین تولید جمهوری اسلامی نارضایتی است. نارضایتی مردم اکنون مدتهاست که به حد انفجاری رسیده است. خیزشهای چند سال اخیر تردیدی در این مورد برای هیچ کس باقی نگذاشته است. این حقیقت دیگر از چشم اندرکاران و سران و مفسرین و روزنامه نگاران جمهوری اسلامی نیز پوشیده نمانده، به حدی که هرروز صدایی از درون خود سیستم بلند میشود که هشدار میدهد و خاموشش میکنند اما بلافاصله از جای دیگری سر بلند میکند. سردبیر روزنامه دولتی عصر ایران هفته گذشته در اشاره به انفجار مهیب بیروت، از "نیترات نارضایتی مردم" سخن میگوید و هشدار میدهد که "انبار بزرگی در ایران وجود دارد و

هر لحظه ممکن است منفجر شود و هر آنچه هست را با خاک یکسان کند: نیترات نارضایتی. نه تعارف بردار است و نه قابل کتمان؛ هم فرد فرد مردم می دانند و هم آمارهای مسؤولان دلالت بر آن دارد: مردم ایران در ناراضی ترین وضعیت دهه های اخیر هستند." و بعد هشدار میدهد که مسئولان یا باید همین وضعیت را ادامه دهند و ناراضیان را به معترض و معترضان را به برانداز تبدیل کنند، یا دست به "اصلاحات جدی" بزنند و ناراضیان را به حامیان تبدیل کنند. معضل اساسی جمهوری اسلامی اینست که نه اراده ای برای اصلاحات جدی وجود دارد و نه ابزار و امکاناتی برای چنین حرکتی وجود دارد. اساس نارضایتی های توده مردم از

ادامه در صفحه ۲

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

از صفحه ۱

فوران اعتصابات کارگری...

دزدی و چپاول بی رویه حکومتیان و فقر کمر شکن و یکه تازی آخوندها و اسلامپون است. خود سران حکومت از سران سپاه گرفته تا نمایندگان و دولتی ها، تا بیت رهبری تا مغز استخوان دزد و چپاولگرند. بنابراین چه کسی باید جلوی اینها را بگیرد و "اصلاحات جدی" بکند؟ اصلاحات جدی یعنی از حلقوم این درندگان پولها و ثروتها را بیرون کشیدن و خرج رفاه و درمان و اشتغال و زندگی مردم کردن. چنین کاری در جمهوری اسلامی حتی فکرش هم سخت است. چه رسد به عمل کردنش. بعلاوه سیاستهای حکومت اساسا تأثیرش این بوده است که اقتصاد را کلا فلج و زمین گیر کرده است و تحریم های بین المللی هم خود نتیجه مستقیم سیاستهای حکومت است. آنچه شاهدیم بطور و اقصی یک فروپاشی اقتصادی است و بیکاری و فقر گسترده و گرانی هرروزه جزء جدایی ناپذیر آنست و حل اینها مطلقا در جمهوری اسلامی ممکن نیست. علاوه بر همه اینها بحران کرونا نیز وضعیت را بدتر از بد کرده است و جمهوری اسلامی اراده ای برای کنترل آن ندارد.

اوضاع کنونی راهی برای توده مردم و بویژه کارگران جز مبارزه همه جانبه و عقب راندن حکومت اسلامی سرمایه داران و مفتخوران باقی نمیگذارد. وقتی که دزدان سرمایه دار حاکم و غیر حاکم با بیرحمی تمام معاش روزانه و سرپناه ساده و حداقل امنیت را هم از کارگران میدزدند و سلب میکنند، کارگران چه راهی جز این برایشان میماند که به هر

قیمتی شده با هر مشقتی که هست و با هر رنجی که داشته باشد، با چنگ و دندان بجنگند و از زندگی خود دفاع کنند؟ تجربه نشان داده است که فقر کمر شکن میتواند مردم را مشغول بخود و مستاصل کند و به تمکین و سکون بکشاند. اما در ایران به دلایل سیاسی ای که اینجا موضوع بحث نیست، برعکس مردم بشدت خشمگین و متعرض و سازمان یافته به میدان آمده اند و ذره ای در اینکه باید و میتوانند حکومت را به زیر بکشند تردید ندارند.

تعرض کارگران،

بن بست حکومت

دوماه اعتصاب متحدانه پنج هزار کارگر نفت با آن فضای متعرض و حق بجانب، که تا همینجا حکومتیان را به عقب نشینی هایی وادار کرده، و ورود قدرتمند کارگران نفت که ابعادی سراسری بخود گرفته و بیش از چهل مرکز نفت را در مناطق و شهرهای مختلفی در بر میگیرد، رویدادهایی بسیار مهم در اوضاع سیاسی ایران بشمار میروند. خواستهای بلاواسطه این اعتصابات مربوط به حقوق صنفی کارگران است اما نفس جریان یافتن این اعتصابات و تداوم متحدانه آنها، گفتمان اجتماعی را به جای دیگری برده است و تأثیر سیاسی انکار ناپذیری بر توازن قوای سیاسی به نفع مردم نهاده است. بویژه اعتصاب نفت یادآور انقلاب ۵۷ و شعار کارگر نفت ما رهبر سرخت ما و سرنگونی دیکتاتوری آریامهری است و وحشت در صفوف حکومتیان انداخته است.

جمهوری اسلامی در برابر این اعتصابات کار چندانی نمیتواند انجام دهد و عملا در بن بست قرار گرفته است. عملی کردن خواستهای کارگران نیشکر هفت تپه و نفت بویژه قطع دست بخش خصوصی از هفت تپه و قطع دست پیمانکاران از نفت که خواست کارگران است، تشتت درونی حکومت را بیشتر میکند و بعلاوه کارگران را در موقعیت تعرضی تری قرار میدهد. تا همینجا گزارشات گویای اینست که جناحهای حکومت با هم گلاویز شده اند. چراکه بخش خصوصی و پیمانکاران اکثرا از مفتخوران و آقازاده های وابسته به رده های بالای حکومت هستند و مسئولین حکومتی برای کنار زدن آنها دستشان باز نیست. به همین دلیل برای مثال در مورد هفت تپه قرار شده است که سران سه قوه با هم مذاکره کنند و تکلیف بخش خصوصی را در این شرکت تعیین کنند! دیگر خواستهای کارگران هم گرچه وعده هایش داده شده اما عملی کردنش برایشان ساده نیست. عقب راندن کارگران اعتصابی نفت و هفت تپه با زور و سرکوب هم برای حکومت سیاست واقعی و در دسترسی نیست و عواقب مهلکی برایشان در پی خواهد داشت. به این ترتیب یک بن بست کامل در برابر حکومت قرار گرفته است و باعث کشتار شدن اعتصابات و اعتراضات گردیده است. جمهوری اسلامی در هفت تپه روی فرسوده شدن کارگران به دلیل طولانی شدن اعتصاب و عدم درآمد کارگران حساب باز کرده بود. اما عملا کارگران هرروز با انرژی و اتحاد بیشتری اعتراضات را ادامه دادند و به سطح شهر شوش و حتی تهران کشاندند و

همبستگی و توجه وسیعی را در سراسر ایران و در سطح بین المللی بخود جلب کردند. به این ترتیب وضعیت حکومت وضعیت باخت - باخت است. بحران کرونا نیز به کل این بحرانهای حکومتی افزوده شده و فضای جامعه را بسیار انفجاری نموده است. خوش شانس ای که دارند دانشگاهها اکنون تعطیلند و دانشجویان در صحنه نیستند که به این جبهه گسترده نبرد پیوندند. اما یک ماه دیگر که دانشجویان نیز به کلاسها بازگردند یک نیروی تازه نفس و رزمنده به جمع معترضین افزوده میشود و وضعیت حکومت را نزارتر خواهد کرد. جنبش علیه اعدام، جنبش رهایی زن، جنبش آزادی زندانیان سیاسی و جنبش ضد مذهبی و خلاصی فرهنگی، در ایران جنبشهایی زنده و جا افتاده و پویا هستند و در فضای وجود یک جنبش متعرض کارگری این جنبشها هم فعالتر شده اند و مترصد سر باز کردن و جلو آمدن در ابعادی انفجاری هستند. در همین هفته های گذشته شاهد این بودیم که در اعتراض به احکام اعدام برای سه جوان چه تحرک گسترده میلیونی ای براه افتاد و دهها میلیون نفر به صف اعتراض مجازی به این احکام پیوستند.

همه اینها با توجه به وجود مدیای اجتماعی که بخشهای مختلف مردم را بهم در پیوندی نزدیک قرار داده است، و بسیاری شواهد دیگر بیانگر اینست که جمهوری اسلامی با یک فصل داغ اعتراض و خیزش و انقلاب رو در روست که راه گریزی از آن ندارد. امروز دیگر ضربه گیرهایی نظیر دوم خرداد و اصلاح طلبی و امثالهم هم که

قرار بوده است برای حکومت فرصت بخرند، به فراموشخانه تاریخ سپرده شده اند و نمیتوانند کمکی به حکومت بکنند و بخشی از مردم را به خود مشغول دارند. این روزنه ها بسته شده است و سرنگونی طلبی و انقلاب آنها با نقش پیشرو و برجسته طبقه کارگر و به این اعتبار چپ است که جلو آمده و به گفتمان اصلی جامعه تبدیل شده است.

در این فضا برای جریانها راست نظیر سلطنت طلب و ناسیونالیست و قوم پرست نیز جای چندانی برای وارد شدن به گفتمان سازی اجتماعی همراه با موج اعتراضات اجتماعی و کارگری باقی نمانده است. کلا جریانها راست در این نوع اعتراضات جایی ندارند چونکه حرف و خواستی ندارند. اینها میتوانند هر از چند گاه به کمک بلندگوها و رسانه های متعدد خود نظیر بی بی سی و غیره فیلی هوا کنند و توجه ها را از خواستهای اصلی مردم منحرف نمایند. که یک نمونه اش را در جنجال و تبلیغات هفته های اخیر در مورد چهل سالگی درگذشت شاه شاهد بودیم. اما این تقلاها بیش از آنکه کمکی به آنها بکند بی ربطی شان به جامعه ای که از اعتراض و مبارزه و خواستهای روشن میسوزد را عیان میکند. این نوع حرکات بهیچ وجه نمیتواند فضای جامعه را به عقب گرد سوق دهد و از خواستهای پیشرو و مدرن و مبارزه علیه جنبش اسلامی و سرمایه داران مفتخور و برای آزادی و یک دنیای شاد و بهتر باز دارد. در این زمینه جداگانه مفصلتر سخن خواهیم گفت.*



پیام سازمان جوانان کمونیست به جوانان و مردم مبارز لبنان

فرقه ای، دزد و فاسد لبنان را و همچنین خواست یک زندگی آزاد، برابر، مدرن و انسانی را فریاد زدید، بلکه در مسیر مبارزه خود راه را نیز به درستی انتخاب نموده و نوک پیکان حمله خود را به سوی حزب الله و حامی تمام قد آن یعنی جمهوری اسلامی نشانه

از سوی دیگر شور و همبستگی گسترده ای در دل دهها میلیون انسانی که برای سرنگونی حکومت های ضدانسانی حاکم بر کشورشان مصرا نه می جنگند، ایجاد نمود. شما در مبارزات خود، نه تنها خواست برجسته شدن دولت

صدای آزادیخواهی و اعتراض شما به نظامی آکنده از فساد، دزدی، تبعیض و نابرابری در کل دنیا شنیده شد. تعرض انقلابی شما برای به زیر کشیدن طبقه حاکم لبنان، از یک سو لزشی بر پیکره کل حاکمان و دزدان و ستمگران خاورمیانه انداخت و

راه «رفتید و فریاد زده اید آزادی بیروت از سرنگونی». رژیم در تهران می گذرد مردم ایران نیز سالها است که قدرتمندانه مبارزاتشان را علیه جمهوری اسلامی به پیش می برند تا با سرنگونی منشا و سازمانده اصلی تروریسم و اسلام سیاسی در کل منطقه خاورمیانه، جامعه ای آزاد برابر و انسانی را به ارمغان آورند.

سازمان جوانان کمونیست ضمن اعلام همبستگی با مبارزات باشکوه مردم لبنان، اعلام می دارد که تحولات در لبنان و ایران از دو جهت مشابهند، اولی خواست و آرمان یک زندگی آزاد، برابر و انسانی که در کف خیابانهای ایران و لبنان جاری است؛ و دومی کوتاه نمودن دست

دشمن مشترک شان از قدرت سیاسی برای نائل شدن به مطالبات خود، دشمنی به نام جمهوری اسلامی که دنباله سیاستهای ارتجاعی و ضدانسانی اش در قامت حزب الله در لبنان تجسم یافته است. مبارزه علیه "اسلام سیاسی" که از بیروت تا بغداد و تهران زندگی میلیونها انسان را به بند کشیده است باید تا دستیابی، صلح و آزادی در تمامی منطقه و رهایی از شر حکومتها و جریانات سرکوبگر، استعمارگر و مرتجع حاکم ادامه یابد.*

زنده باد مبارزات

مردم لبنان

زنده باد آزادی و برابری

سازمان جوانان کمونیست

اوت 11 2020

ایجاد کرده اند. در عراق از اکتبر سال ۲۰۱۹ در بغداد، بصره، ناصریه، نجف و کربلا و ... اعتراضات مردم در میدانهای تحریر علیه سیستم موزائیکی مذهبی و قومی، علیه بیکاری و نداشتن تامین زندگی، در جریان است. اعتراضات مردم در عراق در میدیای اجتماعی و رسانه ها و فکار عمومی در سطح بین المللی مورد توجه و حمایت قرار گرفته است.

در تظاهرات قه لادزی زن مبارز و معترض میگوید:

بخاطر پدر و مادرم

آدم

چهار روز است

نان نخورده اند

مادرم امروز گفت:

دخترم گرسنه ام

گفتم مادر جان من هم

گرسنه ام

بعد زبانش را نشان می

دهد

نسان نودینیان

شد. در چند سال گذشته و بویژه در سال جاری اعتراضات مردم در کردستان عراق علیه فساد و دزدی، علیه پرداخت نکردن حقوق ها، علیه فقر و وضعیت بد زندگی و بیکاری جاری بوده. مردم میگویند ما این سیستم موزائیکی احزاب ناسیونالیستی - اسلامی و عشیره ای حکومت اقلیم کردستان را نمیخواهیم

در کردستان عراق بیکاری و مردم فقیر تا نزدیک به هشتاد درصد افزایش پیدا کرده است. کارگران بیکار و توده وسیعی از مردم از داشتن حقوق پایه و امکانات دارویی و پزشکی محروم هستند. گرانی و افزایش قیمتها هر روز بیشتر میشود. در عوض سران حکومت اقلیم کردستان در محلات مرفه نشین با ثروتهای میلیون دلاری زندگی میکنند. در اروپا و امریکا بزرگترین شرکت های تجاری را با پولهای غارت شده از سفره و زندگی مردم را

کردستان عراق اعتراضات کوبنده مردم علیه سران حکومت اقلیم کردستان



حمله کرده و آن را به آتش کشیدند و دفاتر حزب دموکرات کردستان عراق را سنگباران کردند. در شهر هه ولیر حزب دموکرات کردستان عراق با نظامی کردن شهر و دستگیری های وسیع مانع تجمع اعتراضی در این شهر

تحویل کرده است دست به اعتراض زدند. بحران مرگبار کرونا، کمبود امکانات پزشکی و کمبود کادر درمانی و بیمارستانها خود نیز شرایط زندگی را بر مردم ده چندان سخت و تلخ کرده است. در قه لادزی مردم خشمگین به دفتر گوران

چهارشنبه ۱۲ آگوست؛ در شهرهای قه لادزی، سلیمانیه در پارک آزادی و در شهر کلار اعتراضات مردم علیه دزدی و فساد سران اقلیم کردستان وضعیت بد حقوق، علیه فقر و بیکاری و درد ورنجی که حکومت اقلیم مردم کردستان عراق

لبنان از تراژدی تا انقلاب

شهاب بهرامی



زده شد. حرکتی که سیل آسا و به سرعت شهرهای بیروت و طرابلس و نبتیه را فرا گرفت و در عرض سه روز همه کشور را بلرزه درآورد. مردم برعلیه فساد، بی کفایتی و فقر و تنگدستی به خیابان ها ریختند. دولت "سعد حریری" نخست وزیر وقت لبنان به سرعت از طرح ریاضت اقتصادی دولت متبوعش عقب نشینی کرده و قول داد حقوقهای رئیس جمهوری، نخست وزیر و وزرا و نمایندگان مجلس را به نصف کاهش دهد و اصلاحات دیگری را نیز به اجرا گذارد. دولت لبنان بیش از صد میلیارد دلار، یعنی یک و نیم برابر درآمد سرانه آن کشور بدهی دارد

آنچه که در خیزش انقلابی اکتبر شاهد بودیم حمله مستقیم مردم به نهادهای مذهبی، بویژه جریانات تروریستی اسلامی و نزدیک به جمهوری اسلامی بود. جریانات اسلامی و متحدین جمهوری اسلامی در این کشور در نوک پیکان حمله مردم قرار گرفتند. تابوی "حزب الله لبنان" شکسته شد، رهبر حزب شیعی متحد حزب الله، یعنی "امل" رسماً از طرف مردم منتسب به شیعی در جنوب آن کشور دزد خطاب شد. مردم لبنان بویژه شیعیان این کشور، حزب الله و شخص حسن النصرالله را یکی از عوامل اصلی فقر و بدبختی مردم نامیدند و آن را بوضوح در شعارهای خیابانی خویش به نمایش گذاشتند. در دل این اعتراضات، مردم خشمگین لبنان به شماری از دفاتر و مقرهای نیروهای حزب الله حمله کرده و چندین خودروی نظامی آنان را به آتش کشیدند. حسن نصرالله در یک مصاحبه تلویزیونی و در واکنش به

سی میلادی تحت نفوذ سیاسی وسیع دولت فرانسه در این کشور که تا به امروز نیز ادامه داشته، قدرت سیاسی به دولتی موزائیکی سپرده شده که بین شش گروه قومی مذهبی تقسیم گشت. بیشتر مدیران دولتی بر اساس تعلقشان به گروههای مختلف قومی و مذهبی انتخاب شده و می شوند و نه بر اساس توانایی و انتخابات آزاد. در این سیستم قبیله ای، مقامات و سیاستمداران از چتر حمایت جناحهای خود برخوردارند که آنها نیز به نوبه خود از سوی نهادهای دینی حمایت می شوند. سمت های اداری نیز بین قبایل و طوایف گوناگون بویژه مسیحیان، سنی ها، دروزی ها و شیعیان تقسیم شده است. واضح است که بحران های گذشته و فعلی لبنان نتیجه بی لیاقتی و فساد مقامات و بورژوازی رانت خوار لبنان، همچنین دخالت قدرت های خارجی منجمله جمهوری اسلامی ایران در این کشور بوده، و حال شیوع ویروس کرونا و انفجار ویرانگر اخیر در بیروت هم به آن اضافه گردیده است.

عروج انقلاب امروز مردم لبنان اما نه بدلیل انفجار بندر بیروت بلکه ریشه در خیزش انقلابی اکتبر ۲۰۱۹ دارد. جرقه اعتراضات و خیزش اکتبر با اعلام بستن مالیات به اپلی کیشن تلفنی "واتس اپ"

به دنبال انفجار عظیم و مرگبار بندر بیروت و فوران خشم و طغیان مردم، دولت حسان دیاب مجبور به استعفا شد. تظاهر کنندگان لبنانی با تصرف چند وزارتخانه و نهاد دولتی قصد ورود به پارلمان و تسخیر آنجا را داشتند. نیروهای ویژه سرکوب دولتی تا این لحظه همچنان به دفاع از پارلمان و جلوگیری از ورود تظاهرکنندگان تلاش می کنند. در این انفجار وحشتناک تا به امروز بیش از چهار صد نفر کشته و مفقودالثر شده و شش هزار نفر زخمی گشته اند.

قبل از انفجار بندر بیروت، دولت ورشکسته لبنان به دنبال توافقی با صندوق بین المللی پول بود تا بتواند با وامی ۱۰ تا ۱۵ میلیارد دلاری و تزریق آن به اقتصاد، گشایشی ایجاد کرده و به اسب سرکش و مهار نشدنی تورم لگامی بزند. عدم توافق جناح های فاسد و دزد حاکم بر کشور و عدم توانایی دولت برای به اجرا درآوردن برنامه های ریاضت کشی شدید اقتصادی که صندوق بین المللی پول خواهان آن است و مردم لبنان قطعاً زیر بارش نخواهند رفت، عملاً به شکست این مذاکرات انجامید و تمامی تلاش ها در این زمینه به بن بست رسید.

لویه جرگه لبنانی

بعد از استقلال لبنان از کشور فرانسه در اوایل دهه



ثبات و آرامش برقرار گردید. دوره ای که بجای تخاصم های نژادی-مذهبی دوره تخاصم طبقاتی دولت سرمایه داری فاسد لبنان و نود و نه درصدی های جامعه مدرن و بیدار لبنان را به نمایش گذاشت. عروج نسلی مصمم و آگاه که به هیچ چیز جز جامعه ای آزاد و انسانی تن در نمی دهد و با قرق کردن خیابانهای بیروت و طرابلس و نبتیه و تسخیر وزارت خانه های دزدان، پرچم این رهایی را بر افراشته تا نشان دهد که از روی نعش حزب الله و فالانزیست ها و همه باندهای گنگستر حاکم رد خواهد شد و طلیعه دورانی نوین را بشارت میدهد. همزمان جنبش آزادیخواهانه مردم لبنان در عین حال افول و سقوط جمهوری اسلامی ایران را بعنوان یکی از جنایت آفرینان این منطقه نشان داده است. انفجار مرگبار بندر بیروت با همه اندوه باری اش اما انفجار عظیم اجتماعی و نوید بخش زندگی را تسریع نموده است. مردم لبنان باید خواهان مجازات تمامی مسئولان این فاجعه انسانی باشند آن ها مردم و کارگران ایران را کنار خود دارند چرا که هر دو هم سرنوشتند.*

وقایع آنروز گفت "می توانید مرا لعنت کنید برایم مهم نیست" امروز بجای دزد خطاب کردنش عکسش را به همراه عکس میشل عون رئیس جمهور به صورت نمادین در میدانهای بیروت به دار می زنند.

اکنون با قرار گرفتن مردم منتسب به اقوام و مذاهب مختلف در کنار هم و بر علیه دولت و حاکمان فاسد، دوره تازه ای در حیات سیاسی این کشور آغاز شده است. مردم یکپارچه علیه حکام دزد و فاسد از هر قوم و قبیله و مذهبی قرار گرفته اند. جمهوری اسلامی و حزب الله لبنان و شخص حسن نصرالله متحد جمهوری اسلامی، و بانک های غارتگر در این کشور زیر ضرب مستقیم مردم قرار گرفته اند. با به میدان آمدن مردم لبنان علیه دستجات قومی و مذهبی بیش از پیش روشن شد که مردم این کشور اشتراکات زیادی در مبارزه علیه اوباش اسلامی و جریات قومی با مردم ایران دارند لذا مبارزه بر حق مردم لبنان باید مورد توجه و حمایت مردم ایران قرار گیرد.

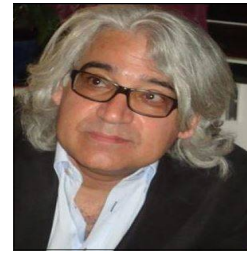
با کشته شدن بیش از یک صد هزار نفر در جنگ داخلی لبنان و یک میلیون آواره جنگی، ظاهراً دوره ای از

سایت حزب کمونیست کارگری ایران

www.wpiran.org

جمهوری اسلامی و کرونا

حسن صالحی



اخیرا روزنامه "جهان صنعت" در مصاحبه ای با محمدرضا محبوب‌فر، عضو ستاد مقابله با کرونا و اپیدمیولوژیست اعلام داشت که آمار واقعی مبتلایان و فوتی‌های کرونا بیست برابر آمار اعلام شده از سوی وزارت بهداشت است. انتشار این مصاحبه باعث توقیف فوری روزنامه جهان صنعت شد. اما دروغ‌های حکومتی اینبار از جانب یکی از اعضای ستاد مقابله با کرونا بر ملا شد و حکومت نمی‌تواند با توقیف روزنامه و ترفندهایی نظیر این مسئله را ماستمالی کند. آنچه که محمد رضا محبوب‌فر در مصاحبه با روزنامه جهان صنعت گفت حقیقتی است که ما بارها بر آن تاکید کرده ایم. ایشان در این مصاحبه گفته است:

"دقیقا یک ماه قبل از اعلام رسمی ظهور کرونا در کشور یعنی در اوایل دی‌ماه اولین بیمار مبتلا به کرونا مشاهده شده است. ولی آن زمان دولت به دلایل سیاسی و امنیتی پنهانکاری کرد و بعد از مراسم ۲۲ بهمن و انتخابات مجلس بالاخره دولت تصمیم گرفت وجود شیوع کرونا در کشور را اعلام کند. متأسفانه از همان ابتدای اطلاع‌رسانی شفاف برای جامعه صورت نگرفت. قطعاً از ابتدای شیوع کرونا در کشور تاکنون این آمار مهندسی شده است. در هر صورت این آمار بر اساس ملاحظات سیاسی و امنیتی به

۱N1H عبور کردیم از کرونا نیز عبور خواهیم کرد و از شنبه همه چیز به روال عادی برمی‌گردد... یکی از نقشه‌ها و توطئه‌های دشمنان ما این است که با هراس‌افکنی زیاد در جامعه، کشور را به تعطیلی بکشانند." و این شنبه ای بود که هیچگاه نرسید و کرونا از مردم قربانیان بسیار گرفت.

دلایل "امنیتی"

پنهانکاری

عضو ستاد مقابله با کرونای حکومت می‌گوید پنهانکاری رژیم دلایل "سیاسی و امنیتی" داشته است. جمهوری اسلامی هر جا که از "امنیت کشور" و "خطر امنیتی" صحبت می‌کند منظور امنیت خود رژیم است. به خاطر حفظ منافع حاکمیت و اسلام این حکومت بارها مردم را از جلوی تیغ گذرانده و آنها را قربانی کرده است. با اینکه همه شواهد حاکی از آن است که کرونا از دیماه ۱۳۹۸ در ایران وجود داشته است ولی حکومت به خاطر برگزاری انتخابات مجلس و برگزاری مراسم حکومتی دهه فجر، وجود بیماری کرونا در ایران را پنهان و انکار کرد. در عوض حکومت در طول این مدت شهروندانی را که در جستجوی حقیقت بوده‌اند تحت عنوان "شایعه پراکن" دستگیر و زندانی کرده است بطوریکه طبق منابع حکومتی آمار دستگیر شدگان به صدها نفر رسیده است.

ممنوعیت سفرهای

بین المللی

با اینکه بسیاری از کشورها با شیوع بیماری کرونا پروازهای بین المللی و بخصوص پرواز به چین و دیگر نقاط پر ریسک را ممنوع و یا بسیار محدود کردند اما جمهوری اسلامی دست به چنین اقدامی نزد جمهوری

اسلامی تا تاریخ ۲۰ تیر ماه هیچ محدودیتی بر روی سفرهای بین‌المللی اعمال نکرد. بخصوص پروازهای هواپیمایی ماهان متعلق به سپاه پاسداران به چین نقش زیادی در گسترش و سرایت بیماری کرونا در ایران داشته است. با اینکه شماری از مقامات جمهوری اسلامی به این مسئله اعتراف کرده‌اند ولی هیچ کس جوابگو نیست که چرا در زمینه ایجاد محدودیت و یا ممنوعیت در پروازهای بین المللی اقدامی صورت نگرفت؟ این در حالیست که جمهوری اسلامی مدام به سفرهای داخلی مردم گیر می‌دهد و آنها را مسبب گسترش بیماری در کشور قلمداد می‌کند.

قرنطینه

جمهوری اسلامی خودمی‌گویند که کرونا از قم و گیلان به سایر نقاط کشور سرایت کرد. اما جمهوری اسلامی هیچ تلاشی برای قرنطینه کردن این مناطق انجام نداد بلکه با اصرار عجیبی با آن مخالفت ورزید. در کشورهای اروپایی که قرنطینه اعمال شد دولتها در قبال تامین معیشت و نیازهای زندگی شهروندان اقداماتی را در دستور کار خود قرار دادند و و منجمله به شهروندان برای جبران موقعیت کاری از دست رفته و تامین معاش شان حقوق پایه پرداخت کردند. یک دلیل مخالفت جمهوری اسلامی با قرنطینه به این دلیل بود که نمی‌خواست زیر بار هیچ مسئولیتی در قبال تامین معاش و زندگی مردم برود. سیاست "در خانه بمانید" هم درحالیکه دولت تعهدی در قبال زندگی شهروندان نداشت و ندارد بیش از اینکه مقابله ای با کرونا باشد بی مسئولیتی دولت را نشان می‌داد. سران جمهوری اسلامی

بارها اعلام کرده‌اند که اگر "همه چیز بسته شود مردم از گرسنگی و فقر به خیابان می‌آیند". این سیاستی است که نه بر مبنای مبارزه با کرونا که بر اساس نگرانی از شورش مردم تنظیم شده است. در این زمینه ادعای مقامات حکومتی که خزانه دولت خالیست تنها توجیهی برای بی مسئولیتی دولت است وگرنه همه می‌دانند که با چند قلم دزدیهای حاکمین و ثروت افسانه‌ای که به جیب زده‌اند و یا پولی که صرف مسجد و سرکوب و حزب الله لبنان و دولت جنایتکار سوریه می‌کنند می‌توان اقدامات بسیاری در جهت رفاه و آسایش مردم انجام داد.

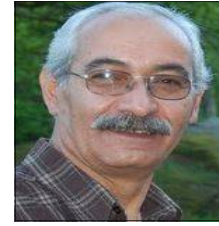
تحریم‌ها و کرونا

مقامات حکومت اسلامی بارها تحریم‌ها را عاملی در ایجاد دشواری در مقابله با کرونا اعلام کرده‌اند. این در حالیست که هیچ محدودیتی در ارسال کمک‌های پزشکی و درمانی جهانی به ایران وجود نداشته است و تاکنون جمهوری اسلامی کمک‌های نقدی و محمولات پزشکی زیادی دریافت کرده است. متأسفانه بسیاری از این کمک‌های نقدی و پزشکی بدون نظارت و کنترل مردمی به جیب حکومت رفت و یا سر از بازار سیاه در آورد و مفری برای سودجویی مسئولین حکومتی شد. بعلاوه باید اشاره کنیم که جمهوری اسلامی علیرغم مظلوم‌نمایی اش برخی کمک‌جهانی را رد کرده است. از جمله پیشنهاد سازمان غیر دولتی پزشکان بدون مرز برای ساخت بیمارستان صحرائی در اصفهان به دلایل بی پایه‌ای نظیر "جاسوسی" رد شد.

کرونا و مذهب

با اینکه شیوع کرونا بازار ادامه در صفحه ۹

۲۸ مرداد ۵۸ فرمان حمله خمینی به کردستان برای کوبیدن انقلاب عبدل گلپریان



مرداد ماه هر سال یادآور فرمان افسارگسیخته خمینی و شبکه آدمکش آن زمان تازه تاسیس سپاه پاسداران بهمره ارتش دست نخورده شاهنشاهی به کردستان و در نهایت کوبیدن و حمله به دستاوردهای قیام و انقلاب مردم ایران است. تعرض به قیام و انقلاب، در واقع گرفتن انتقام ارتجاع اسلامی خمینی از مردم ایران بود که برای پایان دادن به رژیم سلطنت و پادشاهی پهلوی به آن دست زده بودند. اما داستان از کجا آغاز شد؟

در طول چهار ماه اول سال ۵۸ تقریباً سراسر شهرهای کردستان در یک رویارویی نظامی سیاسی و اعتراضی در مقابل حاکمان جدید قرار گرفته بود. بویژه سنندج، مهاباد، مریوان، نقده، کامیاران، دیواندره و پایه جبهه‌های اولیه شروع نبرد بین قیام‌کنندگان سال ۵۷ با ضد انقلاب اسلامی بقدرت رسیده و ارتجاع محلی بود. در شهرهای بزرگ ایران بویژه در تهران نیز، فضای نسبتاً باز سیاسی برآمده از قیام مردم، در اشکال مختلف همچنان ماهیت سیستم تازه بقدرت رسیده را بچالش می‌طلبید. کردستان هنوز زیر سایه شوم و سیاه شبکه اسلامی قرار نگرفته بود و بعنوان قلب تپنده انقلاب زنده و استوار در همبستگی با مردم سراسر کشور در مقابل دارودسته

و دچار شکست سختی میشوند. شکست نیروهای رژیم در پایه سبب میشود که خمینی راساً بعنوان فرمانده کل قوا و با همیاری دولت موقت به تمام نیروهای مسلح ارتش و سپاه، فرمان حمله به پایه را صادر کند.

فرمان خمینی برای حمله به پایه پیش درآمد حمله ای سراسری تر به تمام کردستان و نهایتاً زدن و کوبیدن انقلاب و زهر چشم گرفتن از شوراهای کارگری تاسیسی شده در بسیاری از مراکز کارگری کشور بود. خمینی در پیامی که برای آن مهلتی ۲۴ ساعته تعیین کرده بود از تمامی نیروهای مسلح درخواست کرد که در این مدت زمان وارد عمل شده و پایه را از دست به گفته او "اشرار" آزاد کنند. خمینی و دولت موقت او که مدعی مذاکره برای حل مسایل کردستان بودند به یکباره طرفهای مذاکره کننده یعنی نمایندگان مردم کردستان، سازمانهای سیاسی و کلا مردم قیام کننده علیه رژیم پهلوی را اشرار و سران اشرار لقب داد.

پیام خمینی به روسای ستاد ارتش، ژاندار مری و سپاه پاسداران چنین بود: "بسم الله الرحمن الرحیم به رئیس کل ستاد ارتش و رئیس کل ژاندارمری اسلامی و رئیس پاسداران اکیدا دستور میدهم که به نیروهای اعزامی به منطقه کردستان دستور دهند که اشرار و مهاجمین را که در حال فرار هستند تعقیب نمایند و آنان را دستگیر نموده و با فوریت به محاکم صالحه تسلیم و تمام مرزهای منطقه را سریعتر ببندید که اشرار به خارج نگریزند و اکیدا دستور می‌دهم که سران اشرار را با کمال قدرت دستگیر نموده و

نه می‌بخشیم، نه فراموش می‌کنیم



انقلابیون را شروع میکنند. خانه گردی و دستگیری کسانی که سالها علیه حکومت پهلوی مبارزه کرده بودند آغاز میشود.

خلخالی جلاد حکومت خمینی که همراه با ارتش و سپاه برای کشتار انقلابیون به کردستان روانه شده بود، در بامداد روز ۲۸ مرداد سال ۵۸ برای ایجاد فضای رعب و وحشت، در مرحله اول در شهر پایه دستور اعدام ۱۲ نفر را در یک دادگاه فرمایشی چند دقیقه ای صادر و سریعاً به اجرا در می‌آورد.

در مرحله دوم در روز ۲۹ مرداد ۵۸ خخالی قاتل جوانان مردم، هفت نفر دیگر را به پای جوخه اعدام میفرستد. بدین ترتیب موج اعدامها از پایه شروع میشود و به مریوان، سنندج، سقز و مهاباد میرسد.

روز سوم شهریور ۵۸ در مریوان حکم اعدام ۹ نفر از دستگیر شدگان در یک دادگاه فرمایشی توسط خخالی صادر و بلافاصله اعدام می‌شوند. یک هفته از یورش سپاهیان اسلام به کردستان گذشته بود که همچنان در اعتراض به تیراندازی و حضور پاسداران تظاهراتی در سنندج و در اعتراض به کشته شدن یکی از جوانان شهر توسط پاسداران برگزار میشود. چند نفر در این تظاهرات دستگیر میشوند که تعدادی از آنها را آزاد می‌کنند و ۱۱ نفر از جوانان شهر سنندج را که بطرق مختلف و در مکانهای مجزا دستگیر کرده بودند روانه فرودگاه ادامه در صفحه ۱۰

تسلیم نمایند. اهمال در این امر تخلف از وظیفه و مورد مواخذه شدید خواهد شد. مرداد ۱۳۵۸ روح اله الموسوی الخمینی"

خمینی مکرراً اطلاعیه صادر میکرد و مرتب این اطلاعیه‌ها که مضمون و محتوای آن حمله همه جانبه به کردستان بود، از رادیو تهران خوانده میشد. در محکومیت فرمان این حمله از سوی سازمانهای سیاسی، نهادها و انجمنهای مختلف متقابلاً اطلاعیه‌هایی علیه فرمان خونین خمینی منتشر میشد.

از سوی دیگر جریان مکتب قرآن احمد مفتی زاده (شاخه سنی) مدافع خمینی که تا قبل از حمله به کردستان از سوی مردم و نیروهای سیاسی به انزوا کشیده شده بود، بر بستر شروع جنگ و حمله نیروهای سپاه و ارتش کم کم جان تازه ای بخود گرفت. مفتی زاده سرکرده جریان مکتب قرآن با صدور اطلاعیه از خمینی حمایت کرد و نیروهای تحت فرمانش دوشا دوش سپاه پاسداران رژیم و دیگر مزدوران محلی به تعقیب و شناسایی انقلابیون و مبارزین میپرداختند و در عملیات شناسایی و دستگیری جوانان شرکت فعالی از خود بنمایش می‌گذاشتند. نیروهای مفتی زاده از این مقطع به بعد است که با سر و صورت پوشیده در کنار نیروهای رژیم، حتی در اعدام جوانان شرکت میکنند. فرماندهان رژیم و مزدوران محلی آنان کشتار مبارزین و

صلح با طالبان اعلام جنگ به مردم است سیامک بهاری



با توافقات آمریکا و طالبان را به نام نمایندگان مردم، در ادامه سازش خفت بار و آزادسازی تروریست‌ها که از فرماندهان و سازمان‌دهندگان مستقیم جنایت علیه مردم افغانستان بودند، جا زد و شراکت رسمی با جانیان طالب را پشت سر این مجمع پنهان کرد. در یک شیادی مهندسی شده از خود سلب مسئولیت کرد و همه بار این شرارت را بردوش لویی جرگه انداخت تا باج دهی به طالبان و آزاد سازی باقیمانده نیروهای آن از زندان را به نام "نمایندگان مردم" مشروعیت ببخشد.

حکومتی پوشالی، دست نشانده و بی اختیار، مشتى مرتجع و زورمندان محلی و سران قبایل و قومپرستان و رؤسای احزاب جهادی و قلدرهای دست نشانده خود را به نام نمایندگان مردم گرد آورد. برای پوشاندن اهداف خود جمعی از فعالین مدنی و منتقدان را هم به این نشست دعوت کرد. در حالیکه از تأمین امنیت یک جمع کوچک حکومتی عاجز است، ۳ هزار نفر را با هزینه کلان ۳۳ میلیون دلاری در یک جا و به مدت چند روز جمع کرد و رأی گرفت که باقیمانده زندانیان طالب را برای انجام پروسه مذاکرات بین‌افغانی از زندان‌ها رها کند.

در روز اول شروع به کار لویی جرگه، توصیه نامه مایک پومپئو وزیر امور خارجه آمریکا بین همه شرکت کنندگان توزیع شد که تأکید بر آزادی همه زندانیان طالبان داشت، تا راه مذاکرات به اصطلاح بین‌افغانی هموار گردد. دستور کار و نتیجه تجمع لویی جرگه اینچنین از پیش معلوم شده بود. در جریان این نشست، بلقیس روشن نماینده پارلمان از فراه، علیه آزاد

شاخه خراسان و . . . همگی زیر پرچم امارات اسلامی طالب جنایت آفریده‌اند و به جرم عملیات تروریستی، آدم‌ربایی، قتل، تجاوز، انفجار، معامله سنگین مواد مخدر در زندان بوده‌اند آزاد شدند و بسرعت شگرفی به پست‌های خود بازگشتند.

با آزاد سازی ۴۶۰۰ زندانی جنایت پیشه، خشم جامعه از این معامله کثیف بشدت برانگیخته شد. تمام کسانی که در کشتار مردم بی‌پناه افغانستان نقش درجه اول داشتند، رها شدند تا دوباره علیه مردم سازماندهی شوند. همان نقشه و روش و سازشی که با حزب اسلامی گلبدین حکمتیار انجام شد و آزادی بیش از ۲ هزار جنایتکار جنگی او از زندان، شرط بازگشت از مخفیگاهش در پاکستان و قصر نشینی‌اش در کابل گردید، این بار در ابعادی بسیار بزرگتر، مصیبت‌بارتر، اسرارآمیزتر و بیش‌زمانه‌تر با حمایت آمریکا و کل ارتجاع منطقه، تمهیدات برای بازگشت امارت اسلامی طالبان و سهیم کردن آن در قدرت سیاسی دره‌شرف انجام است.

حکومت افغانستان با نقشه‌ای از پیش طراحی شده با فراخوان دادن لویی جرگه مشورتی این همسویی آشکار

استراتژی ماندگاری آمریکا در افغانستان که تحت نام پروسه صلح و سازش با طالبان و پایان جنگ به خورد جهانیان و بویژه جامعه دردمند و زخم خورده افغانستان داده شده است، به مراحل فاجعه آمیزتری پا می‌گذارد. مصالحه آمریکا و طالبان در قطر، به تضمین نسبتاً پایدار عدم حمله به نیروهای نظامی و امنیتی آمریکا و متحدان آن انجامید. در عوض به خاک و خون کشیدن مردم افغانستان بیش از هر وقت دیگر تشدید گردید. طی مدت کوتاهی پس از توافقات قطر، حملات تروریستی آدم‌کشان طالب، در ابعاد بی‌سابقه‌ای از حمله به زایشگاه تا مدرسه و بازار و ناامن کردن جاده‌ها، آدم‌ربایی و باج‌گیری گسترش یافت تا برگ برنده بیشتری در آنچه مذاکرات بین‌افغانی خوانده می‌شود در اختیار طالبان باشد.

شرط اول پذیرش مذاکره با حکومت، آزادی ۵ هزار تروریست آموزش دیده از زندان تعیین شد. اعضای دستگیر شده بیش از ۲۰ سازمان تروریستی از شبکه حقانی و لشکر طیبیه و القاعده و جنبش اسلامی ازبکستان، ایغورهای ترکستان، تا حزب التحریر و لشکر جنگوی و

کم هزینه کردن حضور و ماندن آمریکا و متحدین در منطقه و افغانستان، مطلوبیت بخشیدن به توحش اسلام سیاسی، مادام که اسلحه‌اش رو به نیروهای آمریکایی نباشد، حقیقت پنهان شده پشت عبارت مذاکره و صلح بین‌افغانی است. اینک طالبان در نقش متحد آمریکا در مذاکره با حکومت افغانستان از موضعی بالاتر برای سهم‌خواهی بیشتر و شراکت در قدرت حکومتی حضور خواهند داشت.

این مذاکرات و توافقات، حاصل رقابت و کشمکش نیروهای دخیل در جنگی است که بر سر مردم افغانستان آوار شده است. این ترفندی است که شرکای این جنگ بر سر آن به توافق رسیده‌اند. همه زرادخانه‌هایی که مهمات جنگی و امکانات سیاسی و ایدئولوژیک آن را فراهم ساخته‌اند، رهبران و فرماندهان آنرا گماشته‌اند، آنرا از مخفی‌گاه‌های وزیرستان پاکستان بیرون کشیدند و تا مرکز امارات اسلامی و دفتر سیاسی طالبان در قطر ارتقاء دادند. این شیادی و جنایت علیه بشریت را تحت عنوان ادامه در صفحه ۸

سازی زندانیان طالب و باج دهی به آنها دست به اعتراضی نمادین زد. او بسرعت مورد حمله قرار گرفت. این اعتراض بهانه‌ای شد تا رکیک‌ترین الفاظ از زن ستیزترین به اصطلاح نمایندگان از تریبون جرگه بیان شود که به خوبی چهره واقعی فرهنگ طالبانی - اسلامی ضد زن حاکم بر این نشست را به شکل بارزی نشان داد.

حربه‌ای به نام

مذاکرات بین‌افغانی

۱۹ سال جنگ و تروریسم سازمان یافته طالبان که از آبخور پاکستان تا دستان پنهان آمریکا و روسیه و چین و عربستان و جمهوری اسلامی ایران و قطر و تمامی ارتجاع منطقه تغذیه شده است و کل بساط اسلام سیاسی و همه منابع اصلی تأمین آنها، که برای اقتدار اسلام سیاسی علیه بشریت و مردم افغانستان جنایت آفریده‌اند، با اشاره حامد کرزای رئیس جمهور، "برادران ناراضی" خوانده شدند. جنگ تروریسم اسلامی با مدنیت، با حق زن، با آزادی‌های سیاسی و اجتماعی برادر کشی خوانده شد.



بنابراین انتظاری که می رود این است که همه مردم در کارخانه و دانشگاه و مراکز آموزشی و مراکز کار و در شهر و روستا از آزادی فوری و بی قید و شرط این جوانان دفاع کنند. انتظار بی جایی نیست که اگر بخواهیم در هر مبارزه و اعتراضی که در جامعه جریان پیدا می کند و در هر بیانیه ای که کانون ها و تشکلات کارگری و دانشجویی و مردمی منتشر می کنند اسمی از این هشت جوان آورده شود و خواست رفع اتهام از این جوانان، لغو فوری احکام اعدامشان و آزادی فوری آنها از زندان و اسارت مطرح شود.

لازم است که با مراجعه به مجامع بین المللی و دولتها بطور مشخص اسامی این هشت جوان را روی میزشان گذاشت و از آنها خواست در مورد این هشت جوان معترض یقه جمهوری اسلامی را بگیرند و نسبت به احکام اعدام آنها اعتراض کنند. اما ما می دانیم که دولتها و مجامع بین المللی بدون فشار از پایین دست به چنین اقداماتی نمی زنند. برای همین مهم است که دنیا را،

در باره لغو فوری احکام اعدام ۸ جوان معترض حسن صالحی



شما اجازه ندارید که بار دیگر به خیابان بیایید. به این معنا صحبت بر سر اعدام بطور کلی نیست. صحبت بر سر تسویه حساب حکومت با مردم است. حکومت با اعدام این هشت جوان می خواهد به ما بگوید که حاکمیت اسلامی به هر قیمتی بردوام است و شما مردم هم حق ندارید نفس بکشید. این جنگ تنها به این ۸ جوان و خانواده های آنها مربوط نیست. دفاع از این جوانان امر همه ماست. این جوانان برای همه ما به خیابان آمدند. آنها علیه فقر و گرانی و سرکوب و خفقان به میدان آمدند و آزادی و رهایی را طلب کردند که خواست بر حق همه ماست.

نبردی که برای لغو فوری احکام اعدام ۸ جوانی که در اعتراضات دیماه ۹۶ و آبان ۹۸ دستگیر شدند، شروع شده نبردی مهم و تعیین کننده است. این هشت جوان یعنی سعید تمجدیدی، امیر حسین مرادی، محمد رجبی، مهدی صالحی، هادی کیانی، محمد بسطامی، مجید نظری و عباس محمدی نماد اعتراض بر حق ما هستند. صدور احکام اعدام برای این جوانان به مثابه اعمال مقررات نظامی اعلام نشده برای جلوگیری از حضور ما در خیابانها و ممانعت از اعتراض ماست. جمهوری اسلامی می خواهد به ما بگوید آبان ۹۸ و دیماه ۹۶ فصلی تمام شده است و

اسلامی است که از نظر ما آبان ۹۸ و دیماه ۹۶ همچنان ادامه دارد. شعله هایی که در این اعتراضات مردمی زبانه کشید خاموش شدنی نیست. مردمی که به فقر و گرسنگی و نداری رانده شده اند چاره ای جز مبارزه و اعتراض ندارند و آرام نخواهند گرفت تا زمانیکه عاملین این همه بی حقوقی و سرکوب را به پایین بکشند. این مردم نشان داده اند که از اسرایشان در زندانهای جمهوری اسلامی حمایت می کنند و متحدانه برای رهایی آنها از زندان مبارزه می کنند. جنگ میان جمهوری اسلامی و مردم تنها یک برنده دارد: مردمی که متحدانه بپاخاسته و از منزلت و معیشت و آزادی و برابری دفاع می کنند.*

مثل کاری که برای معترضین محکوم به اعدام آبان ۹۸ یعنی سعید تمجدیدی، امیر حسین مرادی، محمد رجبی کردیم، چنان شلوغ کنیم که دولتها هم مجبور به واکنش شوند. از سوی دیگر می شود و باید از نهادهای و سازمانهای کارگری و مردمی در سراسر جهان خواست که هم خود مستقیماً به احکام اعدام این هشت جوان به جمهوری اسلامی اعتراض کنند و هم به دولتهایشان فشار بیاورند که جمهوری اسلامی را برای صدور احکام اعدام علیه این هشت جوان معترض مورد بازخواست قرار دهند و خواهان لغو این احکام شوند. تلاش ما برای آزادی فوری این هشت جوان معترض پیام نیرومندی به جمهوری

نسل امروز جامعه از زیر تیغ طالبان و مجاهدین و غیره بدست آمده است، در مقابل هجومی سخت قرار گرفته است. نسل امروز، از پا نخواهد نشست و با مواجهه رو در رو، با این خطر، گامهای استوارتری برای به عقب راندن و شکست این توطئهها بر خواهد داشت و جامعه را از سقوط در سراسیمه بربریت اسلام سیاسی نجات خواهد داد.*

ذره‌ای امنیت برای مردم افغانستان ایجاد نکرد، مذاکرات به اصطلاح بین‌افغانی نیز به تبع آن دردی از جامعه دوا نخواهد کرد. صلح با طالبان نه پایان جنگ که آغاز یک دوران سیاه برای مردمانی است که چهاردهه اسیر دست جریانات تروریستی اسلامی از جهادی و طالب تا ارگ و سپیدار بوده‌اند. دوره‌ای سهمگین و نبردی نابرابر پیش روی جامعه است. حفظ دستاوردهای ارزشمندی که با جان‌فشانی

و خون پاشیدن به جامعه سازمان یافته است. هیچ تغییری در بنیادهای اعتقادی و ایدئولوژیک عمیقاً ارتجاعی و ضد بشری آن روی نداده است. همان توحش و بیرحمی و ضدیت نهادینه شده علیه آزادیهای اجتماعی و سیاسی، به‌ویژه زن ستیزی بی بدیل آن، همچنان بر پرچمش نقش بسته است. آنچه تغییر کرده است، استراتژی آمریکا و رقابت‌ها و تناسب قوای جدید در منطقه است. همانگونه که مذاکره و توافقات آمریکا و طالبان

از صفحه ۷

صلح با طالبان اعلام جنگ به...

نمی‌کنند. خود حکومت و همه اجزاء متعفن جهادی و تکنوکرات و وکیل و وزیر آن، ادامه سناریوی سیاهی هستند که قریب به چهار دهه است شیرازه جامعه را متلاشی کرده است. مطلوبیت طالبان برای آمریکا و کل بورژوازی در پتانسیل فوق ارتجاعی و توحش بی بدیل آن برای منکوب کردن جامعه است! نیرویی که برای معامله و دست به دست شدن

"صلح" و مذاکرات بین‌افغانی، دارند به جامعه فقرزده و مصیبت دیده افغانستان حقه می‌کنند که در همه رخدادها و در طول این تاریخ ملامت از شقاوت و بیرحمی، قربانی درجه اول آن بوده است. "ارگ" و "سپیدار"، نه مردم افغانستان، نه کارگران و نه حق زنان، نه میلیونها بیکار و گرسنه و بی‌خانمان و خیل اورگان این کشور را نمایندگی

از صفحه ۵

جمهوری اسلامی و ...

صنعت مذهب را در همه جا کساد کرد اما اسلاميون حاکم بر ایران حتی در شرایط کرونایی دست از شیادی مذهبی بر نداشتند. سران جمهوری اسلامی همیشه گفته اند که با ورد و دعا "کلک کرونا را خواهند کرد". جمهوری اسلامی بجای بسیج امکانات کشور برای تجهیز بیمارستانها و مراکز پزشکی برای مقابله با کرونا همواره برمذهب و خرافه بعنوان ابزاری برای "رفع بلا" توسل جسته است. هزینه های هنگفتی صرف کردند و در شهرها پوسترهای توسل به دعا نصب کردند. در همان قم اماکن مذهبی را علیرغم پیداد کرونا نبستند و در عوض عوامل حکومتی به نمایش مدهش حرم بوسی و حرم مالی و حرم لیبی مشغول شدند. در جمهوری اسلامی اعلام شد که با استفاده از پنبه آغشته با روغن بنفشه بیماران کرونایی نجات خواهند یافت!! کلاشان مذهبی اجازه یافتند در بیمارستان ها حضور یابند و با اسپند و نوحه خوانی بیماران را "معالجه" کنند و در واقع به گسترش کرونا کمک کردند. حتی گفته شد که شاش شتر برای دفع این بیماری مفید است. ایران تنها کشوری است که در آن "رسانه ملی" به کاسب کرونا تبدیل می شود و به تبلیغ "نیش زنبور" برای درمام کرونا می پردازد. جمهوری اسلامی زیر فشارهای مراجع پزشکی و مردم بعضا ناچار شد که اماکن مذهبی را ببندد ولی بعد از خرداد ماه بنا به دستور روحانی و به بهانه اینکه زندگی "معنوی" مردم اهمیت

دارد دوباره به بازگشایی اماکن مذهبی، مساجد و حتی دایر کردن مجدد نماز جمعه پرداختند. با اینکه حکومت از مردم مرتبا انتقاد می کند که شهروندان با برگزاری مراسم عروسی و سوگواری باعث گسترش بیماری کرونا می شوند ولی خود حکومت تصمیم گرفته است که مراسم مذهبی محرم را برگزار کند. و البته وزیر بهداشت هم به ما قول داده است که "چنان محرمی برپا کنیم که الگویی برای جهانیان باشد". در هر صورت بنا به نظر پزشکان و متخصصین در اثر برگزاری مراسم مذهبی محرم جان بسیاری را در اثر ابتلا به کرونا درو خواهد شد.

کرونا و مشکلات

کادر درمانی

در شرایط سخت کرونایی، کادر درمانی کشور علیرغم مشکلات و کمبودهای فراوان در سنگر اول مبارزه با کرونا قرار داشته اند و همواره مورد تشویق مردم بوده اند. کادر درمانی شامل پزشکان و پرستاران، رانندگان آمبولانس ها، نگهبانان بیمارستان ها و مراکز درمانی، بهیاران، تعمیرکاران و گروه خدماتی مراکز درمانی، اپراتورهای دستگاه های پزشکی، مسئولان نظافت و ضدعفونی مراکز درمانی، مسئولان انبارداری و خرید کالاهای درمانی و بهداشتی می شود. وضع و حال کادر درمانی و مشکلاتشان نقشی کلیدی در چگونگی مهار کرونا داشته است. متاسفانه ایران در مقایسه با استانداردهای جهانی با کمبود زیاد پزشک و پرستار روبرو بوده است. موضوعی که در این سالها

بدان توجهی نشده است. از سوی دیگر کادر درمانی با کمبود شدید تجهیزات پزشکی روبرو بوده اند و این به نوبه خود مایه فشار مضاعف به آنها شده است. جمهوری اسلامی با دادن القابی نظیر "مدافعان سلامت" به کادر درمانی نه کاری در جهت سلامت آنها انجام داده و نه شرایط شغلی آنها را بهبود بخشیده است. کادر درمانی در ایران نه امنیت جانی دارند و نه امنیت شغلی. در این خصوص لازم است به قراردادهای موقت و برده وار بخشهایی از پرستاران اشاره کنیم که همواره خواهان تغییر آن به قراردادهای رسمی با شرایط بهتر بوده اند ولی گوش شنوایی وجود نداشته است. در بسیاری از کشورهای اروپایی به کادر درمانی برای تلاش خستگی ناپذیرشان در مبارزه علیه کرونا مزایا و مشوق های مالی ویژه مقرر کرده اند ولی در ایران متاسفانه مزایا و اضافه کاری پرستاران را از اسفند ماه سال گذشته تاکنون هنوز پرداخت نکرده اند. بسیاری از کادر درمانی نسبت به فشار بالای کار و استاندارد پایین بهداشتی و پزشکی در بیمارستانها اعتراض دارند.

انجام تست و

استفاده از ماسک

بنا به توصیه های سازمان بهداشت جهانی یکی از راههای مهار کرونا انجام تست وسیع و گسترده برای آگاهی از تعداد مبتلایان است. علیرغم لاف و گراف جمهوری اسلامی مبنی بر اینکه راهکارهای جمهوری اسلامی مورد توجه جهانیان قرار گرفته است باید بگوئیم که جمهوری اسلامی ایران بسیار دیرتر از کشورهای دیگر به انجام تست روی آورد. بنا به گزارشات موجود "در ایران تا

اواخر اردیبهشت ماه ۱۳۹۹ هیچ سیاست مشخصی برای انجام تست کرونا وجود نداشته و انجام تست بیشتر با استفاده از روابط یا داشتن رانت ویژه صورت گرفته است". محمدرضا محبوبفر، عضو ستاد مقابله با کرونا و اپیدمیولوژیست در مصاحبه با جهان صنعت می گوید: "برخلاف آنچه از سوی وزارت بهداشت و ستاد ملی مقابله با کرونا اعلام می شود که آزمایش های کرونا افزایش پیدا کرده، باید بگویم امروز آزمایش های کرونا، با عنایت به کمبود امکانات و تجهیزات، برای افراد بالاتر از ۶۰ سال، افراد دارای بیماری زمینه ای و حساس انجام می شود و افراد عادی مثل کودکان، نوجوانان و جوانان اگر مشکوک به ابتلا باشند، باید به آزمایشگاه های خصوصی مراجعه کنند و حداقل هزینه آزمایش های آنها چیزی حدود ۳۰۰ هزار تومان است. براساس اطلاعات ما، بسیاری از آزمایشگاه ها روی انجام تست کرونا بازار سیاه درست کرده اند و تا رقم یک میلیون تومان هم از شهروندان دریافت می کنند. کشورهایی که توانستند بیماری را پشت سر بگذارند، دو کار را انجام دادند: اول اینکه جمعیت انسانی را غربالگری و افراد مشکوک را به صورت گسترده شناسایی کردند و سپس تست های کرونا به صورت وسیع و رایگان با حداقل هزینه انجام شد، اما امروز متاسفانه در ایران رویکردی حاکم است که اراده ای برای کنترل کرونا ندارد." در زمینه استفاده از ماسک هم خوب است بدانید که بنا به گفته رییس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس اسلامی ۴۰ تا ۵۰ درصد جمعیت کشور توان خرید ماسک را ندارند و باید

به طور رایگان در اختیار آنان قرار داده شود. کاری که البته جمهوری اسلامی انجام نمی دهد. محبوب فر در این مورد می گوید: "متاسفانه می بینیم که به جای ماسک های فیلتردار پزشکی، عموماً از ماسک هایی استفاده می شود که چندان کاربردی نیست مثل ماسک های پارچه ای یا الیاف و نانو. این ماسک ها حفاظت خود را دارد اما فقط ماسکی ۷۰ درصد حفاظت کننده است که فیلتردار باشد؛ یعنی همین ماسک هایی که در داروخانه ها و فروشگاه های تجهیزات پزشکی به فروش می رسند؛ ماسک هایی بسیار سبک و مناسب که پزشکان هم در مراکز پزشکی از آن استفاده می کنند و اثرات حفاظتی دارد". از همه آنچه که اینجا بدان اشاره شد می توان نتیجه گرفت که جمهوری اسلامی در سه مقطع یعنی "آغاز انتشار"، "همه گیری" و "مهار بیماری" کرونا به گونه ای عمل کرده است که دست در دست این مرض مسری عامل کشتار مردم بوده است. علیرغم تبلیغات پوچ و تو خالی جمهوری اسلامی این رژیم در مقابله با کرونا نه فقط الگوی خوبی به جهانیان ارائه نداده است بلکه بعنوان یک الگوی بد و غیر مسئولانه جهانیان باید از سرمشق قرار دادن آن مطلقاً پرهیز کنند. و نه فقط این بلکه جمهوری اسلامی بدلیل کوتاهی و قصور عامدانه اش در مقابله با کرونا باید جوابگو باشد و سران و مسئولین آن مورد پیگرد جنایی قرار گیرند. جمهوری اسلامی بجای پذیرش نقش خود در فاجعه ای که جریان دارد بی شرمانه تقصیر را به گردن مردم می اندازد چرا که ادامه در صفحه ۱۴

از صفحه ۶

۲۸ مرداد ۵۸ فرمان حمله خمینی به کردستان ...

سنندج میکنند. خلخالی در روز ۵ شهریورماه ۵۸ و در دادگاههای ۵ دقیقه‌ای آنها را به اعدام محکوم و حکم را اجرا میشود. انتشار عکس اعدام این ۱۱ انسان شریف و محبوب مردم سنندج در روزنامه های داخل و خارج کشور مردم را بهت زده و شوکه میکند. این عمل وحشیانه موجی از تنفر علیه قاتلان را دامن میزند.

در سقز مقاومت مردم و نیروهای سیاسی در مقابل لشکریان و سپاهیان خمینی ادامه پیدا میکند تا اینکه جلال خمینی از سنندج عازم سقز میشود و در آنجا نیز جنایت دیگری خلق میکند و ۱۰ نفر از جوانان شهر و ۱۰ نفر از نظامیانی که در محل خدمت نبودند (مجموعاً ۲۰ نفر) را یک روز و بعد از اعدامهای سنندج یعنی در روز ششم شهریور ۵۸ که در میان آنان کودکی ۱۲ ساله هم وجود داشت تیرباران میکنند.

بعد از پاوه، میوان، سنندج و سقز، تدارک حمله ارتش و سپاه متوجه مهاباد میشود. دوش به دوش پیشروی مزدوران ارتش و سپاه، خلخالی نیز با راه اندازی دادگاههای چند دقیقه ای حکم اعدام علیه دستگیر شدگان را صادر میکند. همزمان با این لشکر کشی و اعدام جوانان توسط دادگاههای ۵ دقیقه ای خلخالی، تظاهرات در شهرهای کردستان و در محکومیت این یورش وحشیانه ادامه پیدا میکند.

از سوی دیگر مقاومت و وارد کردن ضربات کاری بر ستونهای نظامی در مناطقی

استفاده از دو دستگاه تانک جهت ایجاد رعب و وحشت به روستای قارنا در محور نقده به پیرانشهر یورش میبرند. روستای قارنا که بیخبر از تمام جنگ و درگیریها بود توسط این ستون اشغال میشود و پاسداران رژیم همه مردم روستا از کوچک و بزرگ را به رگبار میبندند که در نتیجه این تهاجم ضد بشری ۶۸ نفر کودک، پیر و جوان را قتل عام میکنند. روزنامه های تحت کنترل دارودسته خمینی و دولت موقت برای سرپوش گذاشتن بر قتل عام روستای قارنا، خبر آنرا بعد از بیست روز منتشر میکنند.

همزمان با این وقایع بنی صدر که آن هنگام عضو شورای انقلاب بود در محل کانون فرهنگیان در اجتماع هزاران نفر از مردم ارومیه به سخنرانی در رابطه با کردستان میپردازد. بنی صدر در این سخنرانی مدعی بود که نیروهای سیاسی بهانه میگیرند و ماههاست آنها ما را سر میدوانند. او در این سخنرانی تلاش میکند که وقایع را وارونه جلوه دهد. به خط و نشان کشیدن متوسل میشود.

بنی صدر در انتهای سخنانش میگوید: "اگر کسی پیام صلح ما را نپذیرد پیام ما شمشیر و جنگ است." پیام صلح بنی صدر چیزی جز تحمیل ماهها جنگ به مردم کردستان و اعدامهای دسته جمعی نبود. پیام صلح بنی صدر فاجعه قارنا بود که ۶۸ زن و کودک و پیر و جوان را به رگبار بستند. پیام صلح بنی صدر و رهبرش خمینی خلق کردن فاجعه ای بتمام معنا در سرتاسر کردستان بود. او با این جمله که پاسخ ما شمشیر و جنگ است، در رکاب خمینی و خلخالی در جنگ و کشتاری که به مردم

کردستان تحمیل گردید شریک بود.

۱۲ شهریور ۵۸ با روشن شدن هوا و با استفاده از نیروهای هوایی و زمینی و کوبیدن چهار طرف شهر، نیروهای اعزامی به کردستان شهر مهاباد را نیز تسخیر میکنند. در روز ۱۳ شهریور ۵۸ بعد از یک درگیری خونین در گردنه خان بین نیروهای مسلح سازمانهای سیاسی و واحدهای اعزامی لشکر ۲۸ کردستان، ارتش و سپاه شهر بانه را تصرف میکنند. روز ۱۵ شهریور نیز تکاوران نیروی دریایی و هوایی شیراز همراه با ستونهای نظامی ارتش و سپاه لشکر سنندج، شهر سردشت را که خالی از سکنه بود با مقاومتی اندک تصرف میکنند. در همان روز ۱۳ شهریور ۵۸ چهار نفر به اتهام شرکت در جنگ مسلحانه در پادگان شهر سقز به حکم خلخالی اعدام میشوند.

بدین ترتیب تهاجم وسیع و گسترده ارتش و سپاه پاسداران به شهرهای کردستان که با صدور فرمان خمینی در ۲۸ مرداد ۵۸ روی داد از آن دست از جنایات علیه بشریت بود که سراسر کردستان را به خاک و خون کشید.

در پی این یورش وحشیانه و ضد انسانی، اکثر شهرهای کردستان به تصرف ارتش و سپاهیان رژیم در آمد. حاصل این تهاجم، کشته شدن تعداد زیادی از مردم شهر و روستاهای کردستان، ویران نمودن خانه و کاشانه مردم و اعدام دهها جوان در دادگاههای ۵ دقیقه ای خلخالی بود. بدین ترتیب رژیم تازه بقدرت رسیده اسلامی برای تحکیم پایه های قدرت خود، کردستان را که به مرکز ادامه انقلاب ایران تبدیل شده بود به خاک و خون

کشید.

عقب راندن

نیروهای حکومت

علیرغم تمام این جنایت و به تصرف در آوردن شهرها، اعتراض مردم شهرهای کردستان با خشم و تنفیری چندین برابر از قبل به حضور نیروهای ارتش و سپاهیان رژیم، جسته و گریخته علیه حضور آنان ادامه پیدا میکرد. همزمان با اعتراضات عمومی مردم که بتناوب در شهرهای مختلف روی میداد، نیروها و سازمانهای مسلح که به خارج از شهرها عقب نشینی کرده بودند، به عملیات نظامی خود علیه سرکوبگران، به پاسگاهها و پادگانها و نیروهای در حال نقل و انتقال ادامه داشت و به آنان شبیخون میزدند.

تصرف شهرهای کردستان توسط سپاهیان و ارتش دست نخورده رژیم شاه که گوش فرمان خمینی جنایتکار بودند سه ماه بیشتر دوام نیاورد و در اثر ادامه اعتراضات سیاسی اجتماعی در داخل شهرها توسط مردم و همچنین عملیات نظامی نیروهای مسلح سازمانهای سیاسی، رژیم تحت فشار و در منگنه قرار گرفت.

ارتش و سپاه پاسداران اسلامی تنها برای سه ماه آتیم بطور نسبی و دو فاکتو توانستند شهرها را به تصرف خود درآورند. با حضور مجدد نیروهای مسلح سازمانهای سیاسی به داخل شهرها، خلع سلاح پاسگاهها و مراکز کنترل و بازرسی، بار دیگر فرستادن هیئت های مذاکره کننده از سوی دولت موقت از سر گرفته شد. ادامه این وضع و تصرف مجدد شهرها از سوی سازمانهای سیاسی و با حمایت گسترده مردم، از آبان ۵۸ تا جنگ ۲۴ روزه سنندج مجدداً شروع میشود و رژیم

ادامه در صفحه ۱۴

اعتصاب نفت - اعتصابات کارگری،

اطلاعیه شماره ۱۴

ادامه اعتصابات با شکوه کارگران نفت و هفت تپه و هپکو و گسترش همبستگی‌ها

امروز پنجشنبه ۲۳ مرداد اعتصاب کارگران صنایع نفت، گاز و پتروشیمی وارد سیزدهمین روز خود شد. این اعتصابات از پالایشگاه‌های پارسین، آبادان، قشم، پتروشیمی لامرد، فازهای ۲۲ و ۲۴ پارس آغاز شده و سرعت و همزمان دامنه اش گسترده شد و دامنه آن اکنون به نزدیک ۵۰ مرکز رسیده است.

همزمان اعتصاب متحدانه نیشکر هفت تپه و هپکو ادامه دارد و اعتراضات در میان کارگران شهرداری، راه آهن و بخش‌های دیگر کارگری ادامه دارد و هر روز دامنه اش گسترده تر میشود. اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه وارد روز ۶۰ و اعتصاب هپکو وارد یازدهمین روز خود شد.

کارفرمایان و صاحبان کار که از اعتصاب سراسری و همزمان کارگران نفت سراسیمه شده اند به اشکال مختلف تلاش میکنند این اعتراضات را عقب زنند. از جمله تلاش دارند که با وعده افزایش دستمزد اتحاد کارگران را بهم بریزند و میان آنها تفرقه ایجاد کنند. برای مثال به فیترا حقوق‌های ۹ میلیونی را پیشنهاد کرده اند. بنا بر خبرها در بید بلند و پتروشیمی رازی و مراکز دیگری نیز بر سر اینکه کارگران را به سر کار بازگردانند تقلاهایی کرده اند. اما کارگران بر کارزار خود یعنی دفاع از حقوق تاکید کرده و اعتصاب را ادامه میدهند. به گفته کارگران این اعتصابات محدود به این

شرکت و آن شرکت نیست که بر اساس توافق با یک کارفرما حل و فصل شود. کارگران نفت با کارزار دفاع از حقوق وارد این اعتصاب سراسری شده اند و در راس خواسته‌هایشان خلع ید از پیمانکاران و لغو قراردادهای موقت قرار دارد. خواست افزایش دستمزدها و پرداخت فوری طلبها نیز یک خواست مهم کارگران است.

زیر فشار اعتراضات کارگران ایرج خرمدل، مدیرعامل سازمان منطقه ویژه عسلویه با ارسال نامه‌ای به مدیر عامل شرکت‌های شاغل در پارس جنوبی اعلام کرده که باید حقوق کارگران و پیمانکاران حداکثر تا پنجم هرماه پرداخت شود و با مدیران و شرکت‌هایی که ضوابط پرداخت حقوق را رعایت نکنند، برخورد قانونی خواهد شد! او همچنین از تشکیل تیم بازرسی برای بازدید از کارگاه‌ها، کمپ‌های مسکونی و سرویس ایاب و ذهاب کارگران پیمانی خبر داده است. در پاسخ به این خبر کارگران میگویند وعده را قبول ندارند و باید به وعده‌ها عمل شود.

کارگران نیشکر هفت تپه نیز به اعتصاب طولانی مدت خود که امروز دومه است شروع شده، ادامه داده و خواستار پاسخگویی فوری به مطالباتشان و اجرای وعده‌های داده شده یعنی بازگشت به کار کارگران اخراجی، پرداخت فوری طلبها و تمدید دفترچه‌های بیمه و دیگر خواسته‌هایشان هستند.

لیست پالایشگاهها و دیگر مراکز کارگری در حال اعتصاب

- ۱- نیشکر هفت تپه
- ۲- هپکو در راک
- ۳- پالایشگاه پارسین
- ۴- پالایشگاه اصفهان
- ۵- میدان نفتی آزادگان شمالی در هویزه
- ۶- کارگران پیمانکاری فولاد سنگان
- ۷- راندگان ۳۵۰ ناوگان اتوبوسرانی ارومیه
- ۸- شرکت اسفالت طوس
- ۹- پالایشگاه لامرد جوشکزان گروه درخشنده و جاور
- ۱۰- پتروشیمی لامرد فارس
- ۱۱- پالایشگاه‌های فازهای ۲۲ و ۲۳ پارس جنوبی کنگان
- ۱۲- گروه پیمانکاری آریا نگین خوزستان NGL
- ۱۳- بخشی از کارگران پروژه ای آبادان، پتروپالایش کنگان
- ۱۴- فلز ۱۳ شرکت لیدما
- ۱۵- پالایشگاه نفت سنگین قشم در استان هرمزگان
- ۱۶- پتروشیمی جفیر اهواز، پتروشیمی سیلان
- ۱۷- پتروشیمی هنگام ماهشهر
- ۱۸- کمپ امام حسین در فاز ۱۳
- ۱۹- نیروگاه برقی رودشور تهران، نیروگاه ابرت شهر
- ۲۰- فاز ۱۳ تنبک
- ۲۱- شرکت آذران گستر پالایشگاه نفت سنگین قشم
- ۲۲- شرکت آ.ج.سی در پالایشگاه آبادان
- ۲۳- سیکل ترکیبی ارومیه، شرکت نتاوب، فاز ۱۴
- ۲۴- شرکت سینا صنعت، پتروشیمی پارس فنل
- ۲۵- سیکل ترکیبی ارومیه، شرکت نتاوب، فاز ۱۴
- ۲۶- پالایشگاه ماهشهر شرکت تهران جنوب
- ۲۷- سیکل ترکیبی ارومیه، شرکت نتاوب، فاز ۱۴
- ۲۸- نیروگاه برقی پارس جنوبی، نیروگاه بیدخون عسلویه
- ۲۹- شرکت ارتو پارت پیمانکاری باقری
- ۳۰- شرکت اکسیر صنعت در فاز ۱۳ در اسکنه تنبک
- ۳۱- پتروشیمی رازی، شرکت جهانپارس ایلام مهران
- ۳۲- نیروگاه سیکل ترکیبی نهریز هم جوشکرها و هم فیتره
- ۳۳- فولاد سنگان پیمانکاری فیضی شرکت فولاد کوشان
- ۳۴- سایت پتروشیمی عسلویه
- ۳۵- شرکت اسفالت طوس دشت آزادگان
- ۳۶- پتروشیمی بوعلی
- ۳۷- شرکت نیک
- ۳۸- نیروگاه برقی ارنیول
- ۳۹- کارگران نیروگاه برق سیلان
- ۳۹- شرکت نصب نیرو
- ۴۰- راه آهن اندیمشک
- ۴۱- کارگران ایرج خرمدل، مدیرعامل سازمان منطقه ویژه عسلویه با ارسال نامه‌ای به مدیر عامل شرکت‌های شاغل در پارس جنوبی اعلام کرده که باید حقوق کارگران و پیمانکاران حداکثر تا پنجم هرماه پرداخت شود و با مدیران و شرکت‌هایی که ضوابط پرداخت حقوق را رعایت نکنند، برخورد قانونی خواهد شد! او همچنین از تشکیل تیم بازرسی برای بازدید از کارگاه‌ها، کمپ‌های مسکونی و سرویس ایاب و ذهاب کارگران پیمانی خبر داده است. در پاسخ به این خبر کارگران میگویند وعده را قبول ندارند و باید به وعده‌ها عمل شود.
- ۴۲- کارگران نیشکر هفت تپه و هپکو ادامه دارد و اعتراضات در میان کارگران شهرداری، راه آهن و بخش‌های دیگر کارگری ادامه دارد و هر روز دامنه اش گسترده تر میشود. اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه وارد روز ۶۰ و اعتصاب هپکو وارد یازدهمین روز خود شد.
- ۴۳- کارفرمایان و صاحبان کار که از اعتصاب سراسری و همزمان کارگران نفت سراسیمه شده اند به اشکال مختلف تلاش میکنند این اعتراضات را عقب زنند. از جمله تلاش دارند که با وعده افزایش دستمزد اتحاد کارگران را بهم بریزند و میان آنها تفرقه ایجاد کنند. برای مثال به فیترا حقوق‌های ۹ میلیونی را پیشنهاد کرده اند. بنا بر خبرها در بید بلند و پتروشیمی رازی و مراکز دیگری نیز بر سر اینکه کارگران را به سر کار بازگردانند تقلاهایی کرده اند. اما کارگران بر کارزار خود یعنی دفاع از حقوق تاکید کرده و اعتصاب را ادامه میدهند. به گفته کارگران این اعتصابات محدود به این
- ۴۴- پیکپ دارهای اجاره ای شرکت نفت گچساران
- ۴۵- راندگان کامیون و کامیونداران سیرجان
- ۴۶- راه آهن اندیمشک
- ۴۷- فرابروساز پیمانکاری مسلم شیرازی
- ۴۸- پارس فنون در رح توسعه فاز ۲ و ۳
- ۴۹- کیهان پارس
- ۵۰- پارسیان سپهر فارس
- ۵۱- آزمون فلز
- ۵۲- شرکت حلقه صنعت ایران

تاکنون اتحادیه‌های کارگری بزرگی در سطح جهان از جمله کنفدراسیون ملی اتحادیه کارگری رومانی، حزب کار در ترکیه «Emek Partisi» اتحادیه جهانی ایندسترپال، ۸۰ سندیکا و تشکل کارگری در کشورهای مختلف شورای اتحادیه‌های کارگران در استرالی و ۵ اتحادیه کارگری در فرانسه شامل کنفدراسیون فرانسوی دموکراتیک کار CFDT، کنفدراسیون عمومی کار CGT، فراسیون سندیکایی متحد FSU، اتحاد سندیکایی متحد Solidaires، اتحادیه سندیکایی مستقل UNSA حمایت و همبستگی خود را با موج اعتصابات کارگری در ایران اعلام کرده اند.

گرفته است به نقطه امیدی برای کل جامعه و رهایی از بختک جمهوری اسلامی تبدیل شده است. حمایت از این اعتصابات و بازتاب صدای کارگران بسیار ضروری است.*

پیش بسوی
اعتصابات سراسری
پیش بسوی ایجاد
شوراها
حزب کمونیست
کارگری ایران
۲۳ مرداد ۱۳۹۹
۱۳ اوت ۲۰۲۰

تقویت این مبارزات بسیار مهم است. این اعتصابات تا همین جا با موجی از همبستگی‌ها روبرو شده است. در ادامه این همبستگی‌ها روز ۲۲ مرداد؛ ۳۷ تشکل کارگری و کانون‌های صنفی معلمان و نهادهای دانشجویی طی بیانیه مشترکی حمایت و پشتیبانی خود را از اعتراضات و اعتصابات گسترده کارگران در هفت تپه، هپکو و صنایع نفت و گاز و پتروشیمی اعلام کردند. این همبستگی‌ها ادامه دارد. این اعتصابات مهم کارگری که خصلت سراسری بخود

همچنین در هپکو کارگران همچنان در مقابل اختلاسگران حکومتی ایستاده اند. آنها به فروش بخشی از سهام شرکت به تامین اجتماعی که خود یک کانون مهم دزدی‌ها و اختلاس‌ها بوده و وضع بلاتکلیف شرکت و نداشتن امنیت شغلی و تعویق در پرداخت دستمزدهایشان اعتراض دارند. هپکو یکی دیگر از سنگرهای مهم مبارزات کارگری است. خانواده‌ها همواره جایگاه درخشانی در اعتراضات این کارگران داشته اند و حضور خانواده‌ها در

آزادی برابری حکومت کارگری

اطلاعیه خبری اعتراضات گسترده کارگران شهرداری و چند خبر دیگر

- روز ۲۱ مرداد کارگران واحد پاکبانی و فضای سبز شهرداری خوی در اعتراض به پرداخت نشدن ۵ ماه حقوق ماهیانه، حق بیمه و سایر معوقات مزدی مقابل ساختمان شورای اسلامی این شهر تجمع کردند.

- روز ۲۱ مرداد کارگران فضای سبز شهرداری شهر قشم، در اعتراض به پرداخت نشدن ۲ ماه حقوق و مشکلات معیشتی دست به اعتصاب زده و در شهر راهپیمایی کردند.

- روز ۲۰ مرداد کارگران شهرداری خوی از نواحی ۴ گانه شهرداری این شهر در برابر ساختمان "شورای اسلامی شهر" در اعتراض به پرداخت نشدن ۵ ماه حقوق دست به تجمع زدند.

- روز ۲۰ مرداد کارگران شهرداری میرجاوه در اعتراض به تعویق پرداخت ۵ ماه مزد خود برای چندمین بار در طول هفته تجمع کردند.

- روز ۱۹ مرداد جمعی از کارگران خدمات شهری خرمشهر در اعتراض به عدم پرداخت ۳ ماه حقوق و دیگر مطالباتشان، مقابل ساختمان فرمانداری این شهر دست به تجمع زدند.

- روز ۱۷ مرداد کارگران شهرداری روانسر در اعتراض به تعویق پرداخت ۵ ماه مزد خود مقابل شهرداری تجمع کردند

- روز ۲۰ مرداد کارگران پیمانکار اداره آب و فاضلاب اهواز در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق خود مقابل ساختمان شرکت آب و

فاضلات خوزستان تجمع کردند. ۳۰۰ کارگر آبفا بصورت پیمانی و با واسطه چند شرکت پیمانکاری به کار تلمبه چی، اپراتوری ایستگاههای آب و فاضلاب و غیره مشغولند. این کارگران در اعتراض به تعویق پرداخت دستمزدها و قراردادهای موقت کاری بارها تجمع داشته اند.

- روز ۲۰ مرداد کارگران شرکت آزمون فلز پارس که بیش از ۶ ماه است حقوق دریافت نکرده اند دست به اعتصاب زدند.

اعتراضات کارگران شهرداری دامنه اش هر روز گسترده تر میشود و در چند هفته اخیر این کارگران در بیش از ۲۰ شهر تجمع داشته اند. یک گام مهم عملی در مقابل این کارگران برپایی اعتصاب سراسری و هماهنگ و با اتکا به شورای سازماندهی اعتراضشان است. کارگران شهرداری به تعویق پرداخت دستمزدها، قراردادهای موقت کاری، سطح نازل حقوقها و عدم اختصاص امکانات بهداشتی لازم جهت مقابله با بیماری خطرناک کرونا اعتراض دارند. اعتصابات در سطح جامعه دارد ابعاد سراسری میگیرد. اعتصاب گسترده کارگران نفت در کنار اعتصاب متحدانه کارگران نیشکر هفت تپه که اکنون دو ماه است جریان دارد، و اعتصاب کارگران هپکو و مراکز مختلف کارگری بستر و زمینه مناسبی برای اعتصابات سراسری فراهم کرده است. این اعتصابات فضای مناسبی

را برای کارگران شهرداری و راه آهن نیز فراهم کرده است که در ابعادی گسترده تر و سراسری تر خواستها و اعتراضاتشان را جلو ببرند.

اعتراضات گسترده کارگران راه آهن و چند خبر دیگر

- روز ۲۳ مرداد کارگران بخش نگهداری برق و تاسیسات ایستگاه تهران طول خط راه آهن در تهران در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مزایای شغلی، عدم پرداخت مطالبات صندوق پس انداز کارکنان راه آهن و عدم پرداخت پاداش بازنشستگی کارگران بازنشسته دست به اعتصاب زده و در مقابل یکی از ساختمانهای اداری راه آهن تهران تجمع اعتراضی برگزار کردند.

- روز ۲۳ مرداد کارگران کارخانه تراورس کرج در اعتراض به تعویق پرداخت ۴ ماه دستمزد و قراردادهای موقت کاری دست از کار کشیده و جلوی حرکت قطار مسافری را گرفتند.

- صبح روز پنجشنبه ۲۳ مرداد کارگران راه آهن خراسان در اعتراض به نپرداختن حقوقهای معوقه و موقتی بودن قرارداد کاری شان دست به اعتصاب زده و در محل کار خود تجمع کردند.

- روز ۲۳ مرداد بدنال اعتراضات کارگران شرکت گسترش آهن راه مطالبات این کارگران بابت سنوات و عیدی پرداخت شد.

- روز ۲۳ مرداد پرستاران بیمارستانهای مشهد در ادامه اعتراضاتشان بخاطر تبعیض در پرداخت کارانهها و عدم اجرای قوانین پرستاری و سطح نازل حقوقها و فشار سنگین کاری مقابل

Solidarity with the Striking Workers in Iran



همبستگی با کارگران اعتصابی در ایران

دهها مرکز کارگری، هفت تپه، نفت، هپکو، رانندگان کامیون، پرستاران، ...



زنده باد همبستگی با کارگران اعتصابی و مبارزه عادلانه بخش های مختلف مردم ایران!

سازمانیابی این کارگران در شوراهای سازماندهی اعتراضاتشان است. این اعتراضات مستقیماً به زندگی و معیشت کل جامعه مربوط است و باید مورد حمایت وسیع قرار گیرند.

اعتصاب کارگران نفت در کنار اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه و هپکو و در کنار اعتصابات کارگران راه آهن و شهرداری و پرستاران و دیگر بخش های جامعه روند سراسری شدن اعتصابات را به جریان انداخته است و بر کل فضای سیاسی جامعه تاثیر مستقیم دارد. حمایت فعال از این اعتصابات پیوستن به این اعتراضات است.*

استانداری خراسان تجمع کردند.

- روز ۲۳ مرداد کارگران شرکت بازیافت اهواز در اعتراض به تعویق پرداخت سه ماه حقوق مقابل شهرداری تجمع کردند.

بخشهایی از اعتصابات کارگری خصلتی سراسری بخود گرفته و کارگران را در مناطق و شهرهای مختلفی در بر میگیرد. کارگران راه آهن، کارگران شهرداری و پرستاران بخش هایی از این کارگران هستند. محور اعتراضات کارگران راه آهن و شهرداری تعویق پرداخت دستمزدها، سطح نازل حقوقها و قرار دادهای برده وار کاریست. پرستاران نیز به سطح نازل حقوقها، قراردادهای موقت و پیمانی در بسیاری از بیمارستانها، فشار سنگین کاری و کمبود پرستار، استاندارد پایین بهداشت در بیمارستانها بویژه در دل بحران کرونا اعتراض دارند. این اعتراضات بستر اعتصابات سراسری و

پیش بسوی

اعتصابات سراسری

پیش بسوی

ایجاد شوراها

حزب کمونیست

کارگری ایران

۲۳ مرداد

۱۳ اوت ۲۰۲۰

تلخیصی از اطلاعیه های حزب در مورد اعتصاب هفت تپه در هفته ای که گذشت! اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه

روز ۱۷ مرداد کارگران نیشکر هفت تپه در ادامه اعتراضاتشان مقابل فرمانداری تجمع کردند. تا همین جا اعتراض کارگران نیشکر هفت تپه دستاورد های خوبی داشته است. دولت را ناگزیر به دادن وعده پرداخت دستمزدها و تمدید پرداخت دفترچه های بیمه و بازگشت بکار اسماعیل بخشی و دیگر همکاران اخراجی شان کردند. کارگران خواستار عملی شدن این وعده ها هستند. ضمن اینکه خلع ید از بخش خصوصی این بخش چپاول و دزدی در راس خواستهای آنها قرار دارد. این خواست برای کارگران نیشکر هفت تپه به معنای جلوگیری از تعطیلی این کارخانه و تامین زندگی و معیشتشان است.

پنجاه و پنجمین روز اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه حضور گسترده نیروی انتظامی مقابل فرمانداری
روز شنبه ۱۸ مرداد اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه وارد پنجاه و پنجمین روز خود شد. در این روز نیز کارگران در مقابل فرمانداری تجمع کردند و از خواستها و مطالباتشان دفاع کرده و بر ادامه اعتصاب خود تاکید کردند. هنگام تجمع این روز کارگران نیشکر هفت تپه، حضور نیروهای پلیس در مقابل فرمانداری گسترده بود و ورودی بسوی فرمانداری از سمت پل جنوبی توسط پلیس بسته شده بود. کارگران اعلام کرده اند که با تهدید و زندان نمیشود اعتراض آنها را عقب زد. در نشست ۱۵ مرداد نمایندگان مجلس اسلامی با نمایندگان کارگران وعده هایی

داده شد ولی کارگران اعلام کرده اند که تا همه آنها و دیگر خواستهای اعتصابیون اجرا نشود اعتصاب ادامه خواهد یافت. مسئولین حکومتی وعده داده اند که دستمزدهای معوقه پرداخت میشود، دفترچه های بیمه تمدید خواهد شد، و کارگران اخراجی به سر کار باز گردانده خواهند شد. ولی نه تنها تاکنون گامی در این جهت برداشته نشده بلکه امروز نیروی انتظامی شان را مقابل کارگران گذاشته اند. علاوه بر خواستهای فوق کارگران خواهان خلع ید از بخش خصوصی و پایان دادن به دزدی ها و اختلاسها در این شرکت هستند و اعلام کرده اند هیچ نوعی از خصوصی سازی را قبول ندارند و خواست آنها گسیل نماینده ای به شرکت از جانب حکومت و اداره شرکت تحت نظارت و مشورت خود کارگران است. تحقق این خواست برای کارگران به معنای حفظ امنیت شغلی و معیشتشان است.

بنا بر آخرین گزارشات منتشر شده در مورد نتایج این نشست، حکومتیان عقب نشینی هایی را با برخی شرط و شروط تقبل کردند. یعنی مقرر شده است که تکلیف خلع ید از امید اسدیگی از سوی سازمان خصوصی سازی در هفته آینده پیگیری شود و نتیجه پیگیری های آن ظرف ۴۸ ساعت به اطلاع کمیسیون اصل ۹۰ مجلس اسلامی برسد. در غیر اینصورت از وزیر اقتصاد برای حضور در جلسه بعدی این کمیسیون با فعالان کارگری و مسئولان استانی و کشوری

دعوت خواهد شد. همچنین گفته شد که موضوع بازگشت به کار ۵ کارگر اخراجی این شرکت تا هفته آینده تعیین تکلیف شود و در صورتی که پرونده آنان "امنیتی" نباشد و مربوط به اعتراضات صنفی و کارگری باشد، زمینه لازم از سوی استاندار خوزستان برای بازگشت به کار آنان فراهم میگردد. همچنین اینان که نقشه کوچک سازی نیشکر هفت تپه را در سر می پروراندند عقب نشسته و اعلام کردند که سطح کشت شرکت برای تامین منابع اقتصادی مجموعه و جلوگیری از بیکاری کارگران شرکت آماده شود. در عین حال قرار شد که تا چهارشنبه آینده دو ماه حقوق معوقه اردیبهشت و خرداد کارگران پرداخت شود و دفترچه های بیمه آنان نیز تا آخر سال تمدید گردد.

جالب اینجاست که اسحاق جهانگیری معاون اول رئیس جمهوری اعلام کرده است که مسئله خلع ید اسدیگی به عنوان کارفرمای شرکت هفت تپه باید در جلسه سران قوا بررسی و مطرح و تصمیم گیری شود. مساله مالکیت نیشکر هفت تپه به بن بست برای حکومت تبدیل شده است. از یکسو هر گونه عقب نشینی ای نشانه تسلیم حکومتیان در برابر یکی از بیسابقه ترین و قدرتمندترین اعتصابات کارگری است و یک پیروزی برای همه کارگران و همه مردم است. از سوی دیگر سوی دیگر اختلاس و چپاولگری ها در هفت تپه محدود به اسدیگی و باند مافیایی او نیست. بلکه پای

برخی دست اندرکاران حکومتی نیز در میان است و یک موضوع جدال در درون حکومتیان است. از جمله یکسری دزدی ها به دولت و مجلس و دستگاه قضایی و مقامات استانی چون استاندار وصل است.

در نشست روز ۲۲ مجلس از جناحهای مختلف حکومتی و از دولت و مجلس و دستگاه قضاییه شرکت داشتند و تشتت و نزاعهایشان بر سر دزدی هایشان آشکار و عیان بود. یک نمونه از تشتت حکومتیان در نشست روز ۲۲ مجلسیان، صحبت های نیکزاد معاون اول مجلس به صالح رئیس سازمان خصوصی سازی بود. او با گفتن اینکه پس شما چه کاره اید و چرا باید با معاون اول رئیس جمهوری مشورت کنید؟ همچنین سیدنظام الدین موسوی، عضو کمیسیون اصل ۹۰ مجلس اسلامی خطاب به صالح میگوید که اگر اختیارات لازم را ندارید و از بالادستی هایتان از جمله معاون اول رئیس جمهور برای خلع ید کارفرما میخواهید دستور بگیرید، بهتر است استعفاء دهید. خبرها از حمایت روحانی و جهانگیری و مناسبت فامیلی و شراکت اقتصادی جهانگیری با اسدیگی حکایت میکند.

در مقابل این تشتت و دعوای حکومتیان در این نشست، نمایندگان کارگران محکم ایستاده و از خواستهای کارگران دفاع کردند. تا جاییکه در برابر انتقادات نمایندگان کارگران از شریعتی استاندار رشوه گیر خوزستان، او ناگزیر به ترک جلسه شد. زیر فشار اعتصاب دو ماهه کارگران نیشکر هفت تپه است که تمام ارکان حکومت وادار به مذاکره با کارگران شده اند و تا همین جا این یک پیروزی برای این کارگران است. آنچه در

نشست دوم مجلسیان با نمایندگان کارگران نیشکر هفت تپه در ۲۲ مرداد گذشت نشانگر در هم ریختگی حکومت و در عین حال عقب نشینی هایشان در برابر قدرت اعتصاب کارگران است.

کارگران نیشکر هفت تپه در قلب جامعه جا دارند و اعتصاب آنها حمایت های مردمی بسیاری را همراه داشته است. در ادامه این همبستگی ها روز گذشته سی و هفت نهاد از تشکلهای گروههای کارگری، معلمان، و فعالین دانشجویی طی بیانیه ای حمایت و پشتیبانی خود را با اعتصابات کارگری و از جمله دو ماه اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه اعلام داشتند. این همبستگی ها ادامه دارد.

کارگران نیشکر هفت تپه با تصمیم گیری شورایی و با اتکاء به مجامع عمومی شان متحدانه اعتراضاتشان را به جلو میبرند. خانواده ها همواره در کنار این کارگران بوده و وزن مهمی در موقعیت قدرتمند این اعتراضات و جلب حمایت های مردمی دارند. حضور گسترده تر این خانواده ها تاثیر به مراتب بیشتری بر قدرت گیری این اعتراضات خواهد داشت. حزب کمونیست کارگری تلاش دارد صدای اعتراض کارگران نیشکر هفت تپه و کارگران اعتصابی نفت و دیگر کارگران در سطح جهانی باشد و همگان را به پیوستن به این اعتصابات و حمایت فعال از این مبارزات فرا میخواند.*

**پیش بسوی
اعتصابات سراسری
پیش بسوی ایجاد
شوراها
حزب کمونیست
کارگری ایران
۲۳ مرداد ۱۳۹۹
۱۳ اوت ۲۰۲۰**

واحد‌های حزبی را هر کجا هستید ایجاد کنید!



جامعه ایران از مقطع دی ۹۶ وارد فاز تازه ای شده است. اعتصابات و تجمعات کارگری گسترش یافته، اعتراضات عمومی تعرضی تر، گسترده تر و سراسری تر شده و توازن قوای میان مردم و حکومت بشکل بازگشت ناپذیری تغییر کرده است. حکومت در بن بست کامل دست و پا میزند و در هم ریخته تر، بی افق تر، مستاصل تر و ناتوان تر از همیشه است. در چنین شرایطی توده های وسیع مردم آمادگی دارند که در اشکال مختلف سازمان یابند. سازماندهی مردم حیاتی ترین مساله کنونی جامعه است. به هر درجه جامعه سازمان یافته تر باشد، اتحاد مردم بالاتر و مسیر سرنگونی کم مشقت تر

خواهد در چنین شرایط خطیر و تعیین کننده ای از تک تک اعضا و دوستداران حزب می‌خواهیم که بسرعت دست بکار ایجاد واحد‌های حزب شوند. واحدهای حزب در هر کارخانه و اداره ای، در هر دبیرستان و دانشگاهی و در هر محله ای باید ایجاد شود. با دوستان نزدیک و قابل اعتماد خود صحبت کنید، آنها را به عضویت در حزب تشویق کنید، همراه با آنها واحدهای سه تا پنج نفره تشکیل دهید و با حزب

تماسات را فعال تر کنید. ایجاد واحد های حزب در مراکز و محلات مختلف و در میان کارگران، معلمان، بازنشستگان، جوانان، نویسندگان و هنرمندان و غیره امکان میدهد که نقش موثری در ارتقاء آگاهی آنان، اتحاد آنان و متشکل شدن آنان ایفا کنید و با آمادگی بیشتری نه تنها در مقابل جمهوری اسلامی بلکه همچنین در مقابل جنبش های ارتجاعی و شعارها و شیوه های انحرافی که به مبارزه مردم لطمه میزند صف

آرایی بسیاری از دوستداران حزب همچنان بصورت فردی فعالیت میکنند. ما وظیفه داریم و میتوانیم بخش هر چه وسیعتری از این فعالین را در سازمان حزب در داخل کشور متشکل کنیم. این یکی از مهمترین اقداماتی است که در شرایط کنونی در مقابل اعضا و فعالین حزب قرار دارد.*

**حزب کمونیست
کارگری ایران
۱۳ تیر ۱۳۹۷
۴ ژوئیه ۲۰۱۸**

از صفحه ۹

جمهوری اسلامی و ...

به گفته حکومت مردم پرتکل های بهداشتی را رعایت نمی کنند. غافل از اینکه بنا بر تحقیقات انجام شده مردم ایران علیرغم محدودیتهای فراوان، در رعایت بهداشت فردی مثل شستن دستها با صابون و همینطور زدن ماسک حتی در مقایسه با برخی کشورهای اروپایی خوب عمل کرده اند. ما با رئیس جمهوری مملکتی روبرو هستیم که حاضر است مردم را به سلاخی کرونا

کانال خبری پزشکان " شهرهای ایران مملو از مردمانی با ریه های سفید است که ناگهان در خانه می میرند و با تشخیص سکنه قلبی در خواب، به خاک سپرده می شوند. مردمانی که نه در آمار می آیند و نه تختی را اشغال می کنند. مرگ کرونایی بسیار بیش از اعدام و ارقام اعلام شده است." خلاصه کنیم: "جمهوری اسلامی در شیوع ویروس کرونا در ایران و در منطقه نقش ویژه و برجسته ای داشته است. جمهوری اسلامی با عدم قطع پروازها به

چین، عدم اطلاع رسانی و دروغگوئی در مورد شیوع بیماری کرونا، عدم رعایت موازین و استانداردهای علمی و بهداشتی بین المللی در مقابله با بیماری کرونا و در عوض توسل به خرافات مذهبی، عدم تامین ابتدائی ترین تجهیزات پزشکی نظیر ماسک و دستکش و ارسال کمکهای خارجی در این زمینه به بازار سیاه و نیروهای اسلامی طرفدار خود در کشورهای منطقه، تعقیب و دستگیری گسترده مردم به جرم اطلاع رسانی در مورد حقایق مربوط به قربانیان

و مبتلایان به کرونا، رد کردن کمک پزشکان بدون مرز و اقدامات ضد انسانی دیگری از این دست خود عامل مستقیم اشاعه کرونا و کشتار مردم در ایران بوده است." (از قلعنامه درباره بحران کرونا و شرایط سیاسی در ایران مصوب پلنوم ۵۱ کمیته مرکزی حزب). مردم ایران چاره ای جز این ندارند که برای حفظ جان و تامین معاش و امنیت اقتصادی خود رژیم اسلامی را سرنگون کنند. شماره معکوس برای رفتن جمهوری اسلامی آغاز شده است.*

از صفحه ۱۰

۲۸ مرداد ۵۸ فرمان حمله خمینی به کردستان ...

ناچار به عقب نشینی از شهرها میگردد. تا جنگ ۲۴ روزه سنج در بهار سال ۵۹ یعنی بمدت ۵ ماه، رژیم اسلامی عملا هیچ گونه قدرتی در شهرهای کردستان نداشت. اکنون بعد از گذشت چهار دهه از جنایاتی که حکومت اسلامی علیه مردم کردستان و علیه انقلاب مردم در سراسر کشور انجام داد، مردم کردستان در اشکال مختلف

سراسر کشور نیز مردم بستوه آمده دمی از مبارزه علیه حکومت اسلامی کوتاه نیامدند و دوره های تاریخی معینی مردم برای بزرگ کشیدن حکومت اسلامی بمیدان آمدند. سال ۹۸، ۹۶، ۸۸ و هم اکنون حتی در شرایط وجود ویروس کشنده کرونا، اعتصابات گسترده ای در کلیدی ترین مراکز کارگری و در میان بخشهای معترض، خشمگین و متنفر از حکومت اسلامی جریان دارد. کارگران و همه مردم ایران امروز در ابعادی سازمانیافته تر و با دید روشنتری در کنار مردم قیام کننده لبنان، عراق

و سوریه، برای پایان دادن به چهل سال جهل و جنایت وسیعا به میدان آمده اند. حکومت اسلامی و دیگر دستجات دست ساز آن در کشورهای منطقه، مورد

تعرض خشم انقلابی مردمی قرار گرفته اند، که به کمتر از کنار زدن این دارودسته ها و ایجاد یک زندگی و آینده ای بهتر رضایت نخواهند داد.*

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهاب بهرامی

ادیتور: کاظم نیکخواه

مسئول فنی: مراد شیخی

ایمیل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته جمعه منتشر میشود

www.anternasional.com